

نشرية تئوريك داخلية

((غير قابل پخش))

۵۹.۲.۲۴

انتشار نشریه "تفویک" داخلی گامی است در جهت دامن زدن بهارزه -
 اید فلولویک اصولی و سازنده که از این پس دنبال میشود . چنانچه این بهارزه
 را بخش بخش بهریم قادر خواهیم بود نیروی خلاقه سازمان را برای شناختن و
 مبارزه علیه انحرافات اید فلولویک بکاراندازیم ، وحدت اید فلولویک و
 سازمانی خود را مستحکم ساخته و با مشکلات پیچیده دست و پنجه نرم
 کنیم . تجربه نشان داده است ماهر وقت توانسته ایم لزلحاظ تفویک
 جویگویی جنبشهای عظیم ایما هم توانسته ایم تشکیلات متناسب با آنسرا
 نیز وجود بیاوریم . مثلا در مرمریان که از لحاظ تفویک وضع را تحلیل کرده
 بودیم ، اتحادیه دهقانان جویگویی تشکیلاتی این تحلیل تفویک بود که در
 ادامه خود منجر به ایجاد نیروی مسلح متحرک گردید . یاد مورد جنبش
 مقاومت همینکه از لحاظ تفویک به ضرورت مقاومت مسلحانه و نقش توده ها
 در آن پی بردیم توانستیم نیروی پیشمرگه را سازماندهی کنیم .

چنانچه طبقه کارگر مسلح به اید فلولوی خاص خود نباشد و سازمان خاص
 خود را بوجود نیارد دیگران شره بهارزات او را فصب خواهند کرد . این مسئله
 حتی در مورد رفقای خودمان نیز صادق است ، بعضی از رفقا در منطقه فعالیت
 خود کاملا زیر تسلط روشنفکرانی قرار میگیرند که پاره ای عبارت بود از بهیستای
 انقلابی بیشتر از آنها بلدند .

شرکت مادر جنبش مقاومت خلق کرد و تحسین و تمجید روشنفکران انقلابی و
 گروههای مارکسیستی برای مدتی ما را مغرور کرد و ضعفهای تفویک ما را ناسزا
 اندازد ای مردم پوشی نمود . در این مقدمه سعی میکنم بطور فشرده نگاهایی

وضیح :

مسئول هر ناحیه ، مسئول مطالعه این نشریه
 داخلی و کنترل گردش صحیح آن از لحاظ اید فلولویک
 گهداری میباشد و باید بتواند در صورت لزوم و بنا
 برخواست هیأت مرکزی آنرا جمع آوری کند .

عمده ترین صنایعهای اید پولوژیک خود بیاند ازیم و تحلیل جامع و همه جانبه
را فرصتی دیگر موقوف میکنیم .

ترجمه آثار کلاسیک مارکسیستی بویژه از سوی خود و ایجاد رسالههای عمده از
هر روز ۳۲۰ بعد از آن تنها به برداشت کلیشه ای از مارکسیسم منحصر شد و
تلفیق مارکسیسم با جنبش خود بخودی طبقه کارگران در شرایط خاص ایران
شی کشف تئوری انقلابی و ایجاد حزب کمونیست و سازماندهی طبقه کارگر
و رهبری انقلاب نیانجامید . بلکه کلیشه سازی و نیالیه روی از حزب
نیست شوروی را در این زد . در رسالههای دهه چهل با انتشار آثار مارکسیست
اشتهای کلیشه ای و ذهنی بشیوه ای دیگر ادامه یافت . سرد سرداران
فلسف این آثار را در خارج بودند و با بطور کلی با واقعات ملموس جامعه
اد های آن وضعیت طبقه کارگر ایران آشنا نبودند . در باز هم این جریان در
خط با بررسی ساقط انقلاب ایران منجر به برداشتهای کلیشه ای و ذهنی
شد . از جمله برداشت ما از جامعه نیمه مستعمره و نیمه فئودال که از
تب سازمان انقلابی ترویج میشد و مانع از آن برخوردی در کماتنیستی داشتیم
دریکه هنوز از تاثیرات آن خلاص نشده ایم . از نیمه دوم سالهای ۴۵
ریج شی چریکی جد از توده ها بر روشنفکران متعادل به مارکسیسم مسلط
زد . در این میان با توجه به تجربه ایران جنبش مسلحانه سالهای ۴۷ -
کردستان و سیاهکل در سال ۴۹ و اصول عام مارکسیسم لنینیسم طبقه شی
خرافی چریکی موضعگیری کردیم . شی چریکی با تمام طواغر " جنب انقلابی
رکسیستی آن در حقیقت یک گرایش " خود بخودی " در میان روشنفکران خرد و
ژوازی بود و ما مارکسیسم هیچگونه انطباقی نداشتیم . مارکسیسم با مباحث

که انقلاب کار توده ها است نه عده ای روشنفکر جدا از توده . پیروزی هر انقلاب
در مکرراتیک ضد امپریالیستی فقط به رهبری طبقه کارگر آنها در صورت وجود
حزب این طبقه که به تئوری انقلابی مسلح شده باشد امکان پذیر است . مانع
به پیروی از اصول فوق رفتن به میان توده ها و کارگران را آغاز نمودیم و قد مباحثی در
این راه برداشتیم . اما در مقابل شی چریکی گرایش راست بود و شکل در مظاهر
زد :

۱- عدم قاطعیت در بریدن از زندگی خصوصی و حرفه ای شدن و رفتن به میان
زحمتکشان .

۲- در جریان رفتن به میان کارگران خرد و کاری را جایگزین شی توده های انقلابی
نکردیم .

انگاز فراموش کرده بودیم که وظیفه ما مبارزه برای ارتقاء سطح آگاهی کارگران
کشف تئوری انقلابی و ایجاد حزب کمونیست است . بعضی برداشتهای دگم را
جانشین تئوری انقلابی نموده و از رفتن به میان کارگران و " خلق " برای اصلاح
خود " و " آموختن از توده ها " آنچنان تئورنی ساختیم که بتدریج بسیاری از ما
کوشش برای بررسی طبقات جامعه ، قانونمند بهای آن و ارتقاء سطح آگاهی خود و
توده ها را به دست فراموشی سپردیم . آموختن از توده ها تبدیل به پاشیسن
آوردن و یافتن جهت داشتن خود در سطح توده ها شد . به عبارت دیگر فرصت طلسمی
خرد و بورژوازی و سرفرواد آوردن در مقابل جریان خود بخودی و تحقیق تئوری که از
انحرافات شی چریکی بود در مابشکل فوق بر روز کرد و این جریان با دستگیری
بسیاری از فعالان در سال ۳۵ تشدید شد . اما با همه اینها موضعگیری ایدئولوژیک
ما در مقابل شی چریکی و همچنین طبقه حزب توده در پیروزی و نیستم خرد و جفی علی
رغم همه انحرافات که بعد از آن در چار شدیم خود قدم به دست
بسیاری در صحنه مبارزه مارکسیستی علمیستیم .

پروازی در جنبش کمونیستی است . برای روشن شدن اهمیت این
 تئوری کافی است به همین نکته اشاره کنیم که موجودیت مابا توجه
 ن در جنبش مقاومت خلق کرد و موضع گیری اش در مقابل سازستان
 بی خلق و حزب توده و موکرات حاصل همان مبارزه اید فلولویک ده
 . بعنوان مثال اگر ما احتمالاً نهاله روشی چریکی میشدیم در
 ز طرف اکثریت روشنفکران بعنوان انقلابیون " صادق " و " وفادار "
 یاد میشد ، اما در عوض اکنون با احتمال زیاد از وجود ما اثری نبود .
 صولی در مقابل ایورتونیم چه نتیجه ای به بار آورده است کسه
 آن حد اقل سالها بر جنبش کمونیستی ایران و مبارزات طبقه کارگر
 ند . اکنون همیما اگر بتوانیم انحرافات اید فلولویک و نقائص
 بشناسیم و در راه رفع آن اقدام کنیم ، آنوقت تاثیر مثبت کارمان
 هبا سال خواهد بود .

اید فلولویک کنونی ما همانطور که قبلاً اشاره کردیم میراث انحرافات
 نبش کمونیستی بطور کلی انحرافات اید فلولویک خود ما را بطور
 . ارد . تسلیم شدن در برابر ضعف تفویک و نداشتن دورنمای
 و سر فرود آوردن در برابر جنبش خود بخودی مهمترین انحرافات ما
 ند . این امر در بعضی موارد بصورت چپ روی اما در نهایت بسه
 بی خواهند شد . این مسئله بر زمینه اجتماعی کردستان کسه
 فرد ، پروازی شاید بتوان گفت اکثریت جمعیت آنرا تشکیسل
 لبط مناسبی برای رشد یافته است . مثلا ناحیه گرائی که بطور
 بعضی از نقاط یاد شده میشود عبارت از همان فرد گرائی و کوتساره

بسی خورده پروژوائی است . ناحیه گرائی در هقانان و عدم درکشان از تشکیلات
 بر روی مسؤلین مائاثیوگذاشته و آنها را در مبارزه با این انحراف و چارمشکل مسی
 سازد . لنین در بررسی جنبشهای د هقانی به کمبود وسعت دید سیاسی
 د هقانان اشاره کرده و گفته است که حد اکثر دید د هقانان تا حد معادله زمین
 است نه تا حد سرنگونی رژیم . این نکته در میان د هقانان کردستان که دستگاه
 ها و ماورین د ولتی نقش بزرگی در سرکوب و چپاول د هقانان داشته اند ، حسد
 اکثر تا حد مقاومت و دفاع در مقابل استقرار نهاد های سرکوبگر رژیم است نه مبارزه
 تا سرنگونی رژیم . بهمین دلیل است که نمیتوان توده های د هقانان را به بدون
 شرکت طبقه کارگر - برای سرنگونی رژیم ضد خلقی بسیج نمود . این وضعیت همی
 در زن بعضی رفقا و مسؤلین طوری منعکس شده که کوششی برای تشخیص این
 نکته و چاره اندیشی برای آن نکنند و تحت عنوان " هنگامی با خلق " یا " خلق
 هلوژ . . . " و عباراتی از این قبیل نهاله روحربان خود بخودی شده و دورنمای
 انقلاب و کشف تئوری انقلابی نهر د ازند . وسعی زیاد نکرده اند که آگاهی
 سیاسی و اید فلولویک خود را به سطح مارکسیستی برسانند .
 باید با احساس مسؤلیت و درک عمق مشکلاتی که هم اکنون با آن روی سرو
 هستیم ، مبارزه اید فلولویک را بگیری نموده و برای هر چه برداشته تر ساختن آن
 تلاش کنیم .

پرووزباشید - هیات تحریریه

نظراتی که اکنون در نشریه داخلی بین رفقای سازمان منتشر میشود حاوی گاههای مختلفی در مورد ساخت اقتصاد و اجتماعی ایران، هیأت به و... میباشد. این دیدگاهها تا حد ویدی شکل گرفتهاند و ما فعلا آنها دیدگاه (۱) و دیدگاه (۲) مینامیم. لازم است همه رفقا با وقت کامل جوهری تا اساسی هر کدام از نظرات را مورد بررسی انتقادی قرار دهند و نظرات ملیهای تشویک خود را چه حول نظرات مزبور و چه با ارائه نظرات جدید و شده برای هیأت مرکزی بفرستند تا در نشریه داخلی درج گردد.

دو هفته حاوی دیدگاه (۱) چند روز قبل از هجوم ۲۸ مرداد ۸۰ بگردستان نامه عدای از رفقا در باره زمینههای قیام و ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه نوشته بخاطر آغاز جنگ و شرکت در جنبش مقاومت امکان بررسی مجدد آن بوسیله رفقای سازمان فراهم نشد.

دو هفته حاوی دیدگاه (۲) حد و حدی که قبل توسط عدای دیگر از رفقا نوشته در این منظور که خطوط کلی آن در کنفرانس ششم مورد بحث قرار گیرد. شروع مجدد گردستان نامه بحثهای کنفرانس را به تصویب انداختن و این امر شد. بطور کلی علت تأخیر در انتشار نوشتههای مربوط به این دیدگاهها خاطر بود که ما میخواهستیم نظرات ایدئولوژیکمان را هر چه سریعتر منسوخ تا قطعی سازمان در سطح جنبش منتشر نمائیم. و انتظار داشتیم که با جلسات کنفرانس این مسئله را حل کنیم. اما این خواست با واقعیت فات ایدئولوژیک وضعیهای تشویک خود مان که سرعت رسیدن به نظرات

کرد ما هم دست میزدیم.

حالی که این مسئله باید همه رفقا فعلا ندر در امن زد نه این مبارزه ایدئولوژیک بکوشند. طی جلسات متعدد در این مسائل را مورد بحث قرار دهند و نظرات خود را برای درج در نشریه داخلی بفرستند.

- باید کوشش آگاهانه و از روی ایمان با احساس مسئولیت، رفقا برای رسیدن به وحدت ایدئولوژیک اصولی و مارکسیستی.

زمینه های تمام
و
ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه

دیدگاه (۱)

امپریالیسم برای تسلط اقتصاد یوصد و سرمایه و کالا و فارت منابع مواد خام
در درجه اول سعی میکند که حاکمیت سیاسی را در کشورهای عقب افتاده به
دست گیرد . و این امر بدون کمک به حاکمیت یک رژیم دیکتاتوری و استبداد
غیر ممکن است . امپریالیسم بعد از جنگ اول چنین حکومتی را در جمهوری شاه
میدید هر چند برای مدتی بین رضاخان و شیخ خزعل مرد بود اما بالاخره رضا
خان را انتخاب کرد . چرا که باین وسیله با ایجاد یک حکومت استبدادی -
متمرکز تمام ایران را زیر سلطه خود میگرفت .

بعد از جنگ دوم در فاصله سالها ۲۲ تا ۳۲ حکومتی که تکیه گاه مطلق
امپریالیسم باشد وجود نداشت و مبارزات ملی با حکومت دکترومدی نیازها
امپریالیسم را بر آورده نمیکرد . در اینجاست که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲
آغازی برای چنین حکومت استبدادی و پلیسی است . سرنگون ساختن حکومت -
دکترومدی و سرکوب شدن و اعدای وحشیانه مخالفین شاه - پایه های
چنین حکومتی را محکم تر کرد و تا سپس سازمان امنیت در سال ۳۴ و اداره ضد
اطلاعات در سال ۳۵ از لحاظ سیاسی در جهت تحکیم بیشتر حکومت استبدادی
شاه کامل تر شد . و مشخصاً ۳ سال ۳۲ به بعد است که امپریالیسم با اطمینان
بیشتری شروع به صدور سرمایه و فارت مواد خام میکند . حکومت استبدادی شاه
از لحاظ سیاسی به روز رازی ملی را از حمایت ساقط کرد و هر شد مناسبات اقتصاد
امپریالیستی هر روز که از سر حکومت شاه میگذاشت اقتصاد ملی و روز رازی ملی نیز
رویه تجزیه نهاد . بوجود آوردن یک قشر روز رازی که هراد و روشنی انسی
سیاسی حکومت استبدادی از رشد آن سبب شد که بسیاری از صنایع ملی بسا

سنایمی که کالا های مصرفی و خانگی را تولید میکردند از قبیل پشمک سازی -
 خاری - بیسکویت - روغن - کفش و رشد صد و در سرمایه های مالی بشکل ایجاد
 بانکهای متعدد و وابسته به سرمایه های امپریالیستی و پشتوانه سیاسی آنها
 هیچ راهی برای رشد سرمایه داری ملی باقی نمیگذشت مگر اینکه پایه ناپودی
 شانده شود و با اینکه بطریق معنوی شریک درجه دوم با سوم ازدراستی با
 سرمایه های امپریالیستی درآید . چه اینکه خاطر تسلط حکومت استبدادی
 از آن نیز در اختیار بورژوازی کمپرادور و امپریالیسم قرار گرفته بود . بنابراین هر
 ندازه که از مخرج حکومت استبدادی شاه میگذشت بهمان نسبت قدرت سیاسی
 اقتصاد بورژوازی ملی نیز کم شده و پایه نسبتی وابسته بآن میشد .

تشکیل جبهه ملی دوم و سازشکاری رهبری آن گویای این حقیقت است که دیگر
 بورژوازی ملی بعنوان طبقه ای قدرتمند که بتواند اقتصاد و سیاست مستقلی را
 اراه کند باقی نمانده بود .

خرده بورژوازی - اما از طرف دیگر صد و در سرمایه های امپریالیستی در شهرها
 رگ که اولین پایگاه امپریالیسم بود و در خرده بورژوازی تأثیرات متفاوتی
 داشت . بسیاری از تولید کنندگان کوچک بتدریج بازار خود را از دست داده
 متلاطم سرمایه کوچکشان نابود شد . و بار شد بیشتر ضایعات اقتصاد وابسته
 امپریالیسم خرده بورژوازی از لحاظ اقتصاد پایه ای سنتی و با ملی را برای
 بدات کوچک خود ندانسته و جزئی از اقتصاد امپریالیستی شد . اما انحصاراً
 امپریالیستی و شرکت های وابسته به این انحصارات نمیتوانست خرده بورژوازی
 که وسیع بودند اراه نماید . و اینجاست که بیکاری - ورشکستگی و تنگنورم
 - بدی در سالهای ۳۸ و ۳۹ اغلب شهرهای بزرگ را فراگرفت و حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر

نارضایتی عمومی علیه حکومت استبداد برآید نهال خود آورد . انده حساب
 جوانان انقلابی از رهبری جبهه ملی و رشد مبارزات سیاسی و انشکاهای کشور
 بهمانگر این خصوصیت انقلابی خرده بورژوازی است . اما خرده بورژوازی نیز
 موفق نشده بود که تشکیلات و رهبری خاص خود را تشکیل دهد . طبقه کارگر -
 بعد از سال ۳۲ بار شد صنایع وابسته شماره کارگران صنعتی روبه افزایش
 نهاد و طبقه کارگر متشکل در شهرهای بزرگ بعنوان نیروی در برابر امپریالیسم
 روز بروز نیرومند تر میشود . اما چون در مرحله اول بعد از کودتای ۳۲ فاشیست
 اقتصاد و سیاسی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی وارد میآید . طبقه کارگر
 هنوز وارد مبارزه علیه امپریالیسم نشده و تضاد بخشهایی از اقتصاد ملی کند
 فشار اقتصاد و سیاسی و گانه ای وجود داشت کارگران چهارم بر میخواستند
 اعتصاب کوره پزخانه های تهران در خرداد ماه سال ۳۸ و موقوف خونین آن -
 نشان دهند . این حقیقت است . و بنابراین در برابر پیش امپریالیسم که
 طبقه کارگر هر چند بخشی از آن قاطعانه علیه امپریالیسم بپاخواست اما
 این جنبش تمام طبقه کارگر را در بر نگرفت و روشنفکران چپ و نخبه کارگسری
 نتوانست تشکیلات واحد طبقه کارگر را برای مبارزه علیه امپریالیسم بوجسود
 آورد .

بنابراین در مبارزه خرده بورژوازی و نارضایتی عمومی در سالهای ۳۹ و ۴۰
 تشکیلات نسبتاً منظمی که خود نیز با امپریالیسم در تضاد بود در دست
 روحانیت بود که توانست با برخورداری از تشکیلات خاص خود این مبارزات را
 زیر رهبری خود بگشاند . مادرباره مسیحت روحانیت و ماهیت آن بیشتر

ها از کالا ها و سرمایه های امپریالیستی و نارضایتی از حکومت و یکتاتوری حاصل
این بحران ، امپریالیسم را بفرجه چاره اندیشی انداخت . ابتدا اگوشش کرد پس
کود تاقی علیه شاه از نارضایتی هایگاهد ، اما شاه هنوز قدرتمند بود و کسی
توانست با زهم پایگاه نسبتاً محکمی برای امپریالیسم باشد . تا آنکه کودتای
افسران طرفدار آمریکا مانند توکلی و قزنی بکنار گذاشته شد و راهی دیگر برای
گریز از بحران پیدا شد .

در شهرهای کوچک و اکثریت در هات ایران روابط اقتصادی هنوز روابط
فقواری بود و پرداخت بهره مالکانه بیشتر به شکل جنسی صورت میگرفت . و -
باین ترتیب در هات وسیع با بازارهای فتنه نشده آن طمع امپریالیسم و انتجات
از بحران دریافت . طرح مسئله اصلاحات ارضی در سال ۱۳۰۳ و تقسیم اسلاك
سلطنتی مقدمات اصلاحات ارضی را فراهم کرد و اساس مسئله اصلاحات ارضی
نه حل مسئله ارضی بلکه عمدتاً تغییر روابط جنسی به پولی بود که باین وسیله
راهی برای نفوذ کالا ها - چه مالی و چه غیره - پیدا شود .

در بهره مخالفت روحانیت - بخش نسبتاً بزرگی از آن - با اصلاحات ارضی
شاهانه و ملل آن فعلت شحت خواهیم کرد .

زمزمه مقاومت فقواری و حتی تشکیم شورای عشایری و مقاومت مسلحانه در
شیراز از جانب فقواری الهامی شد که اصلاحات ارضی حتی بصورتی که امپریا -
لیسم و شاه در نظر داشتند اجرا نشود و به آن تجدید نظر ها و اضافه کردن تیمورها
بر آن بیشتر منفع فقواری الهامی را آورد . در هات آن در رابطه از صورت خویش -
بیخانه ای نسبت به اصلاحات ارضی داشتند . به همین لحاظ در بسیاری از هات

و کتک کاری بیرون راندن آنان ظهور کرد و موج نسبتاً قوی مبارزه علیه فقواری
سراسر هات را فرا گرفت . اما پیدا شدن سرورگه ژاندارمها و تصدیق و زند انور
در هات شورشی و ششمانی دولت از مالکین ، همه آرزو ها را به سرایی تبدیل
کرد و این خود باز نشان دهنده ماهیت اصلاحات ارضی بود که نمیخواست
فقواری الهامی را ببرد و مسئله ارضی را برفع در هات حل کند .

هدف عمده اصلاحات ارضی شاهانه همانطور که اشاره رفت تصرف بازار
در هات و استعمار در هات بود . ما برای اینکه ببینیم که در عمل اصلاحات ارضی
چه اثراتی داشته است مختصراً آنرا میشکافیم : مراحل اصلاحات ارضی
مرحله اول اصلاحات ارضی :

در این مرحله هر مالکی مجاز بود یک دهه شد انگ را در مالکیت خویش
نگاهدارد و بقیه را به دولت بفروشد و دولت نیز بول ببرد اخت شده را در اقسا
۱۰ ساله با اضافه ۱۰ درصد بهره از هات بگردد .

اولاً در مورد دهه شد انگ که کماکان تقسیم نشده باقی میماند ، بسیاری
مالکین با توجه به پشتیبانی دولت از آنها ، از تقسیم زمینها حتی باین شکل نیز
جلوگیری کردند و در هات را قبل از اجرای قوانین به فامیلهای خود منتقل کردند و
دهه شد انگ اکثراً تقسیم نشده باقی ماندند . مخصوصاً در مورد هاتیک
زمینهای حاصلخیز و فراوان داشت این حکم صادق است .

و اما در مورد هاتی که با اصطلاح به هاتان فروخته شد .

تغییر روابط جنسی به پولی بین هاتان و فقواری الهامی از چند جهت است
در هاتان را بیشتر کرد ، با اضافه اینکه پرداخت اقساط سالانه تغییر در
ماهیت روابط فقواری بوجود نیارود و تنها شکل رابطه عوض شده بود ، بعد

حد اقل تا پایان ۵ سال این روابط فکود الی برقرار بود . اما طبعی است که
 از سال ۱ بعد بتدریج امر بالمیسم نقش مسلط را در ایران بعهده میگیرد .
 اما تسمیر رابطه جنسی بین هقانان و فکود الیها پیولی چگونه است
 در هقانان را بیشتر کرد و چگونه تولید کشاورزی را به انحطاط کشاند و اما
 اصلاحات ارضی چگونه ماهیتی ضد تولید و ضد تکاملی داشت و سعی میکنیم
 در این مورد آنرا بشکافیم :

همانطور که میدانیم کشاورزی ایران که با وسایل عقب مانده تولید اداره -
 میشد و در بسیاری از مناطق عقب افتاده زمینهای بی مورد کشت بود . رشد
 تولیدات بستگی زیاد به میزان بارندگی و چگونگی وضع هوا و وجود آفات -
 نباتی و ... وغیره داشت و بنابراین در سالهای مختلف بسته به اینکه
 بارندگی کم یا زیاد باشد و یا خشکسالی باشد یا نه و یا اینکه آفات کشاورزی
 محصولات تا چه اندازه زیان زده باشد ، تولیدات متفاوت و بهمین نسبت
 سهم در هقانان و یا مالکین هر ساله ثابت نبود . لازم بتذکر است که بالان -
 شرایط تولیدی تولیدات افزایش نص یافت ولیکن تفاوت تولیدات در سالهای
 مختلف بیشتر بصورت کاهش آن تظاهر میکرد . این از یکطرف ، از طرف دیگر
 تولیدات کشاورزی در بازار قدرت رقابت با کالا های کشاورزی امپریالیستی را -
 نداشتند . چرا که پشتوانه کالا های امپریالیستی دولت و انحصارات بود و در
 حالیکه تولیدات کشاورزی از چنین قدرتی برخوردار نبودند و اجباراً قیمت
 محصولات کشاورزی در مقایسه با کالا های امپریالیستی - چه پولی و چه غیر
 پولی - در سطح پائین تری بودند .

قبلاً برای تولید محصولات خود در برابر پرداخت قسمتی از محصولات به
 جنسی به در هقانان بی زمین از نیروی کار آنها استفاده میکردند و با برای تکم
 کوفسند و گاو و محصولات دامی از در هقانان بی زمین در دهات استفاده میکرد
 برای پرداخت قسط دیگر مجبور بود خود و خانواده های بیشترین کار تولید
 انجام دهند و مشخصاً ۳ استمار شدت میافت . علاوه بر اینکه آن دست
 در هقانان بی زمین که در دهات امکان زندگی داشتند بعد از مرحله اول با
 طریق راهی شهرها شدند . بسیاری از در هقانان زمیندار بود که بعد
 اصلاحات ارضی خود نیز مجبور به شرکت بیشتر در تولید میشدند . و در نتیجه
 مجبور بودند که قسمت بیشتری از محصولات خود را با توجه به سطح پائین
 قیمت های کالا های کشاورزی بفروشند تا بتوانند قسط سالانه را پرداخت کنند
 بنابراین نتیجه مستقیم مرحله اول اصلاحات ارضی استمار بیشتر ده
 و مهاجرت قسمتی از در هقانان کم زمین با بی زمین به شهر و روی آوردن به کار
 غیر تولیدی بود . مشخصاً نیروهای تولید را که عمدتاً نیروهای انسانی بود به
 کشاند و البته توضیح این نکته لازم است که در مرحله اول موقوفات عام شاه
 تقسیم نمیشد ولی موقوفات خاص مانند دهات غیر از شش انگ مالکین باقی
 ۵ ساله با همان شرایط بفروش رفت . و این خود از جهت دیگر نشان د
 ماهیت اصلاحات ارضی بود که نصیخواست و نمیتوانست فکود الیسم را ریش
 کند . البته زمینهایی را که بعنوان مستثنیات در اختیار فکود الیها کماکان
 میماند باز هم اصلاحات ارضی را به نفع فکود الیها تمام میکرد و سهم در هقانان
 فقط استمار بیشتر بود .

تا حق انتخاب مالکین پیشنهاد شده بود و
ملاك راهه و هقنان اجاره دهند .

ملاك خود را مطابق شرایط مرحله اول به هقنان بفروشد
- ۱ ساله با صافه . (در صد بهره به دولت)
ملاك خود را به نسبت بهره مالکانه بین خود و هقنان تقسیم کند
نی که به هقنان می رسد در اقساط سالانه به مالکین برود اخت -

لکن می توانند با هقنان شرکت سهامی زراعی تشکیل دهند و سهم
و نسبت میزان مالکیت بر زمین و آب و وسائل تولید است .
لکن می توانند حق ریشه و هقنان را خریداری کنند .

ق اجاره - مدت اجاره سی سال تعیین شده بود که هر سال یکبار
بد نظری بود . این مورد با زهم منفع مالکین بود و اساس روابط فئودالی
نگرده و مالکیت غصبی فئودالها را بصورت قانونی در آورد و است .

مورد ۳ - ۲ هزار مورد مالکین املاک خود را به اجاره دادند . و با توجه
آنونا ۳ مالکین پشتیبانی میشد میزان اجاره باید اخت ریشه و نفوذی
در اداریات دولتی داشتند بمعل مالکین تعیین میگردد . مالکین در
املاک خود به هقنان حتی با توجه به شرایط سنگین آن - اختیار
نبود و تقریبا فقط در ۳۸۱ مورد مالکین حاضر بفروش املاک خود شده
حما ۳ املاکی که زمینهای نامرغوب و اداریه اش بواسطه مالکین دیگر
فیه نمود بفروش می رسید .

که مرغوب ترین زمینها را به مالکین داده و حتی حق انتخاب ابتدا با مالکین
بود و زمینهای نامرغوب بصورت هقنان شد .

علاوه بر این تقسیم زمینها با این ترتیب اختلافات بین هقنان برآشفت پس
میگردد . و تازه بعد از همه اینها هقنان میبایست بابت سهم خود پول را به
اقساط سالانه پرداخت کنند . یعنی از لحاظ قانونی حتی آن قسمت زمین
نامرغوب نیز در مالکیت هقنان شناخته نمیشد .

در مورد شرکتهای سهامی زراعی - اول زمینهایی که با اصطلاح مکانیزه -
بود و به مالکین تعلق داشت مستثنی بود و ثانیا در سهم برای محصولات -
شرکت سهامی با زهم حق مالکیت فئودالها بر صحت شناخته شده بود .

شرکتهای سهامی زراعی از لحاظ دیگری کاملاً در جهت خلاف منافع هقنان
قرار گرفت . زیرا که ابتکار عمل و نحوه کشت و برداشت بدست میهند سین دولتی
بود . و ثانیا نفوذ هقنان در اداره شرکت بسیار کم شده و عملاً بدست -

مالکین بود هقنان مرفه و ماهرین دولتی افتاد . ثالثاً در مجموع کشت
محصولات در این شرکتهای تابع نیازمند بهای جامعه ایران نبود . مثلاً در اکثر
شرکتهای سهامی زراعی تریاک کشت میشود و با محصولات دیگر که در منطقه شرکت
قابل استفاده نبود و عملاً تولیدات کشاورزی را کاهش داد .

در مورد خریدن حق ریشه و استفاده هقنان بعنوان کارگر - در مناطقی
که کشاورزی بسیار عقب مانده بود و نفوذ مالکین از لحاظ سیاسی زیاد بود .
توانستند نسبی هقنان را خریداری کنند و این تقریبا ۶۲۸۸ مورد بود و است .
بنابراین در تمام مراحل اصلاحات ارضی مالکیت فئودالها جنبه قانونی
روسی یافت و بطور کلی حق مالکیت هقنان بر صحت شناخته نشده و با زهم

سط مسالمانه

باقرائینی مکمل اصلاحات ارضی مانند ملی کردن جنگها - اصلاحات ارضی
 اهمیت ضد تکاملی خود را بیشتر نشان داد . چه در مناطقی که تولیدات -
 بد تا بشیوه ای درآمد آری است ، ملی کردن جنگها درست در جهت محدود
 ردن درآمد آری است . جریبه های سنگین در مورد منع بریدن برگ درختان
 ننگلی و حتی در بعضی مناطق دستور قانونی برای قدغن کردن نگهداری سبز -
 مع استفاده از جوب همزم برای سوخت و جریبه برای آن منع دایر کردن -
 بینمای مایه مکی بخوبی نشان دهنده این خصوصیت اصلاحات ارضی
 باهانه است . از اینها گذشته بعد از اصلاحات ارضی تولیدات کشاورزی
 - امی نه تنها در سطح ایران افزایش نیافت بلکه بیشتر کاهش یافته و حتی از
 حافظ کشاورزی نیز وابسته به کشورهای امپریالیستی شد .

شرکت های گشت و صنعت که بطور کلی با پشتیبانی دولت و شاه مالکیت
 از دهقانان سلب میکرد و در اختیار سرمایه داران وابسته قرار میداد که در
 نهایت تولیداتی از قبیل مارچوبه بعمل میآید باز نشان دهنده خصوصیت ضد
 ی و ضد انقلابی اصلاحات ارضی بود .

در زمینهای مکانیزه مالکین و وارثات و وسایل تولید تکامل یافته از خارج مانند
 باین تراکتور مجموع نیروهای تولیدی ایران انحطاط کشاند . چنانچه قبلاً
 ساره رفت تبدیل بهره های جنسی بپولی و نیز شد سرمایه های مالی از قبیل
 سهامی کشاورزی و شرکت تعاونی در دهه هفتم شد که دهقانان برای برداشتن
 سط و اجاره بهایزد اخذ وامها از نیروی خود استفاده کنند تا بیشتر
 نصولات را برای فروش در اختیار داشته باشند و این خود نسیه اضافه کرد .

دهات بوجود آورد و با وارد شدن تراکتور و کما این به تعدد نیروهای اضافی در
 روستاها اضافه شد ، اما در مقابل این نیروی اضافی صنایع و پاروایط سرمایه
 داری داخلی رشد نیافت که بتواند این نیروهای کار را در رشته ای تکامل یافته تر
 بکار بگمارد و اساساً صنایع جنبه مصرفی داشته و حتی بعد از اصلاحات ارضی
 بتدریج کالا های مصرفی نیز از خارج وارد میگشتند و بنابراین نیروهای تولیدی -
 عمدتاً محال انسانی - تبدیل به مصرف کننده و مضطرب شدند . از طرف دیگر
 امپریالیسم نیز خود سرمایه داری در حال زوال و مضطرب کننده نیروهای تولیدی
 است . و صدور سرمایه های مالی امپریالیستی و کالا ها و صنایع وابسته بشیوه
 تولید امپریالیستی درست در جهت انحطاط نیروهای مولده در ایران و بخصوص
 در رابطه با اصلاحات ارضی است . چرا که مهمترین عامل در ترکیب سرمایه
 صادراتی کشورهای امپریالیستی - سرمایه مالی - بشکل رشد بانک و بانکداری و
 در واقع نزول خواری است که ماهیتاً ضد تولیدی و مضطرب اند .

و بنابراین در دوره دوم یورش امپریالیسم با ایران بشکل صدور سرمایه های مالی
 و امپای کشاورزی - شرکت تعاونی - درآمد آری و بهره بتدریج استقلال اقتصاد
 و دهقانان و خود مصرفی آنان را نیز از بین برد . تبدیل بهره جنسی به پولی باضافه
 بهره و اسباب - گرایه استفاده از تراکتور و کما این و موتور آب و اقساط برداشت -
 قیمت و وسایل تولید کشاورزی هر روز محصولات کشاورزی را از خود مصرفی بفروش
 بازار میکشاند و تا سالهای ۱۹۵۰ ه این برونده ادامه داشت با توجه باینکه قیمت
 این محصولات قابل رقابت با کالا های انحصاری بهره و امپای بود و هر روز
 تعدد نیروی انسانی غیر مولد اضافه میشد تا جاییکه مهمترین درآمد ایران از
 صادرات متکی به نفت شد ، و سهم دیگر کالا های تولید شده داخلی روز بروز

کاهش مییافت .

وامهائی دریافت شده در هفتاد و هشتاد و نه درصد صرف پرداخت قسط و اجاره و غیره و قسمتی صرف خرید کالا می باشد که جانشین تولیدات خود در هفتاد و نه درصد بوده و از قبیل ظروف پلاستیکی ، تشکهای ابری ، پارچه های جدید که مواد خام آنها از خارج وارد می شدند ، کفش ، روغن نباتی . . . می شد و این خسود سبب شد که نه تنها تولیدات کشاورزی بلکه صنایع محلی روستائی را نیز نابود کرد و قدرت خرید در هفتاد و نه درصد باین ترتیب با زهم کاهش یافت .

رشد سرمایه های مالی و کالا های وابسته بآن تورم را بتدریج افزایش داد و در جنبه های مختلف بازار حتمتگشان را سنگین تر میکرد . کرایه ماشین ، حمل و نقل و جریحه های مختلف با سگافزاند امری و صنایع طبیعی ، روز بروز در هفتاد و نه درصد خراب تر میکرد .

در شکستگی اقتصاد یونان بودی اقتصاد ملی بختی نمایان بود و هر روز سهم تولیدات صنعتی و معدنی کاهش مییافت و کشور بطرف یک کشور مصرف کننده در مییافت و کارگران و هفتاد و نه درصد شده ازدهات در صنایعی بکارگمارد و مستی شد ند که با مصرفی بود ند و یا خدمت ما خوب ساختن . و سهم صنعت در هفتاد و نه درصد باین بخش بازرگانی و دولتی کاهش مییافت . در فاصله سالهای . . . تا . . . درآمد حاصل از صادرات باین ترتیب بود .

در سال . . . درآمد حاصل از نفت و گاز ۲ / ۸ درصد کل دریافتهای ارزی را تشکیل میداد و سایر صادرات ۲ درصد . در سال ۴۰ درآمد حاصل از نفت به ۳ / ۸۷ درصد دریافتهای ارزی بود و بجز کالا ها فقط ۵ / ۲ درصد صنایع نساجی که نزد یک به هفتاد سال سابقه دارند و در سایر کشور محدود . و واحد نسکی .

و واحد پشمی و . . . واحد جوارب پانی و . . . و واحد تازی و خودی و . . . داشته اند و بتدریج از لحاظ مواد خام ، وسایل بدکی و ماشین آلات وابسته شده و با با واردات پارچه های خارجی بحالت تعطیل درآمدند . و وارد پارچه از ۶۴ میلیون متر در سال ۲۰۵۰ تا ۶۰ میلیون متر در سال ۳۰ افزایش است . صنعت برق - نیز در چندین صنایع کوچکتر که تا اند از ای جنبه وابسته را در هر شهرستان داشته با ایجاد سد ها و طرح سد ها شبکه سراسری گامی باین جهت برداشته و حتی مخصوصان و مهندسان و کارشناسان خارجی تشکیل میدادند و باین ترتیب نفوذ سرمایه های بیگانه بیرونی بتخصص فنی ایران را نیز تهدید می کرد انی غیر مولد و حقوق کرد . در سالهای ۲۰۵۰ و دیگر تقریباً هیچ جایی نبود که در آن آثار و نفوذ امپریالیسم دیده نشود . نارضا باینها اوج میگرفت ، اعتصابات در برای خواسته های صنعتی شروع شد . اعتصاب کارگران کارخانه جهان ، گلوله بگلوله بگلوله کاروانسرا سنگی در سال . . . اعتصاب کارگران کار کاشی ایران و سرکوب آنها در سال ۳۰ - رشد مبارزات و اعتصابات دانش سیاست سرکوب شد بدلیسی و دستگیری و اعدام هزارین روز بروز تعداد نمایان بود .

در اثر شکست برنامه های اقتصادی و طرحهای امپریالیستی ، اصلاحات و سایر اصول " انقلاب " شاهانه میوفت که بحران بزرگی در سطح کشور در اثر افزایش قیمت نفت و تولید آن از اواخر سال ۲۰ برای مدتی کوتاه به بحران افتاد و برای مدتی کوتاه فرونشست ولی تحت تاثیر همین عامل بود

تولید نفت به ۶ میلیون بشکه در روز رسید که سالانه مبلغ ۲۲ میلیارد دلار
 با ایران سرآورد می‌شد. از سال ۲۰۰۲ به بعد غیر از صنایع مونتاز و غیر تولیدی هیچ
 صنعتی از صنایعی که اساساً بحال کشور مفید نبوده و در خدمت منافع امریکاییست
 در مثل نیروگاه‌های اتمی، استخراج معادن مس و شبکه مخابراتی و غیره
 هیچ که بخصوص ارزشی نداشته‌اند که سالانه میلیارد ها تومان ضرر باقی‌مانده
 زان تحویل می‌نمود. در تروویسی هر سال ۱ میلیارد دلار بطور متوسط سرمایه
 آری می‌شد. با تمام پول نفتی که وارد کشور می‌شد باز هم سالانه حدود چهار
 میلیارد تومان کسر بود چه وجود داشته که بصورت وام با بهره‌های سنگین از
 کشورهای بین‌المللی (چیس مانهاتان، صندوق بین‌المللی پول، ...) دریافت
 شد. بهره وام‌ها بخصوص وام مسکن و ترویج کشاورزان شیوه جان طبقات فقیر و
 بی‌سواد را می‌کشد.

در این اعتبارهای کلان به درباریان و پوزو و آزادی و پوزو و کراتیک توسط دولت و
 بان‌اند اخشن این اعتبارات در مصارف غیر تولیدی مانند پارکها، جشنهای
 و غیره می‌شد و بگرد و غارت ثروت‌های ملی بود. زمین به عنوان منبعی از درآمد
 رابطه با ایجاد شهرک ها و آپارتمان سازی سود های کلانی را به جیب پوزو و آزادی
 و دلان زمین و املاک میریخت و مرغی قیمت زمین رویه افزایش می‌نهاد. -
 در آن زمان سازی شد بل به یکی از سود آورترین دسته‌ها شده و صد ها شرکت راه و
 بتن و مقاطع کاری بوجود آمد و سرمایه‌های هنگفتی را می‌بلعید. در اکثر
 تولید مصالح ساختمانی مثل (سیمان، آجر، گچ، آهک، شیشه، آهن)
 این مصارف در کارهای دولتی (مثل ایجاد پایگاه‌های پانزدهگان

کیاب و گران شد و فشارگرانی آن روی طبقات فقیر و متوسط شهری می‌شد از همپوش
 در این وام‌های کم بهره و بدون بهره به کشورهای امریکاییستی و وابسته به
 امریکاییسم و کمپانیهای در حال ورشکستگی (مثل کرایسلر و کروب) و هر دو اخت
 کمپانیهای بلاغوش به کشورهای وابسته برای حفظ منافع امریکاییسم غرب بخصوص
 کشورهای مصر و ترکیه سرمایه‌گذاری و موسسات در حال ورشکستگی امریکایی
 با توجه باینکه هیچ منفعتی برای ایران نداشتند (خرید سهام هشتمین و هشتمین
 امریکایی و کارخانه‌ها در کشتی و آلمان غربی) عموماً در جهت رفع بحران و با تخفیف
 آن در کشورهای امریکاییستی و در حقیقت انتقال بحران و تورم از آن کشورها به ایران
 بود و بخصوص وابستگی ریال به دلار و مستقیماً اثرات کاهش ارزش دلارها به ایران
 منتقل می‌کرد. خرید اسلحه با رقم‌های نجومی که در تاریخ معاملات تسلیحاتی
 در نیامی نظیر بود. طی ۶ سال قریب ۹ میلیارد دلار یعنی هر سال مبلغی از ۳ -
 میلیارد دلار صرف خرید اسلحه از کشورهای خارجی می‌شد. این سلاح‌ها که
 تکنیک پیچیده‌ای داشتند و وابستگی شدیدی ارتش ایران را به ارتش امریکایی افزود
 چون فقط با استفاده از کارشناسان امریکایی امکان استفاده از آنها وجود داشت
 (مثل هواپیماهای آواکس). این خریدها در حقیقت بازگشت پول‌های نفتی بود و
 نیز تکنیک بود برای رشد صنایع اسلحه سازی آمریکا و انگلیس و شوروی (پول گسار)
 خرید دستگاه‌های کامپیوتری با تکنیک پیچیده که به هیچ وجه مورد احتیاج
 ایران نبودند و واردات بیش از حد محصولات صنعتی از کشورهای امریکاییستی
 بطوریکه نه اسلحه‌ها گنجایش کشتی‌ها را برای تخلیه داشت و نه شبکه راه راه
 آهن و شاد در تحمل حمل و نگهداری آنها را داشت (بعنوان مثال در سال ۵۰ -

را تشکیل میدهند و در مقابل ۶۷ تا ۱۲۵ میلیون دلار واردات بود هاست ، یعنی واردات تقریباً ۵ برابر صادرات بود هاست) . آمار بانک مرکزی

نتیجتاً گشتی های حامل بار چندین ماه در بندرگاهها در انتظار تخلیه شدن میمانند و دولت جریمه آنها پرداخت میکند (سورشارژ) و نیز مقدار زیادی کالا در انبارهای گمرک میماند . در ارتباط با این مسئله در هماهنگساز تریلی خرید آری شد (یک رقم ۱۷۰۰ تریلی وارد شد) که بالا ترین رقم خرید تریلی در دنیا بود که برای آنها در هماهنگسازاننده کردهای ، تا بلند یو . . . با حقوق های زیاد استفاده ام شدند .

علاوه بر اینها کشور های آب ریالیستی نه تنها در زمینه صدور سرمایه های مالی و صنعتی و کالا با بازار های ایران گرفتار انحصارات آمریکاییستی خود گردیدند در زمینه تولیدات کشاورزی و فلزات ، به خصوص آمریکا از معدود ترین صادر کنندگان گندم و برنج بود و فروش انحصاری بعضی از اقلام مثل گندم و برنج در دست دولت که مستقیماً در جهت ناپودی تولیدات داخلی و خانه خرابی در هفتاد و سیصد درصدت در جهت خدمت با آمریکاییسم صورت میگرفت . چرا که گندم آمریکایی را با قیمت زیاد وارد میکرد و با قیمت ارزان در داخل میفروخت در حالیکه گندم داخلی را احد اکثر کلهوتی . ارمال خرید آری میکرد . بعضی برای کمک به سرمایه ایسم حاضر میسر بود اما در مقابل در هفتاد و تولید داخلی حاضر نبود .

قیمت خرید گندم را افزایش میدهند . این سیاست توکریستی در برابر آمریکاییسم صیب شده بود که کشاورزی تا سرحد ناپودی کشاند و شد و دیگر هرگونه سرمایه گذاری در کشاورزی مقرون به صرفه نبود و طبیعتاً در هفتاد و خانه خراب را از ت حصه تولیدات کشاورزی و دیگران کرد . همزمان با آن رشد کارهای ساختمانی

و شهرک سازی و راه سازی و پرداخت مزد نسبتاً مناسب در اوائل سرمایه گیری های انسانی را از دهات بسوی کارهای ساختمانی کشاند و دیگر کمتر حاضر بود در کار طاقت فرسای نتیجه کشاورزی با مزد کم شرکت داشته زیرا گندم و برنج و دیگر فلزات اغزایش در آمد نفت از جانب رژیم شاه خرید گوشت و واردات گوشت بیخ زده ، مرغ و تخم مرغ ، لبنیات و حتی شیر و شکر . و اداری و تولیدات جنسی آنها در معرض خطر قرار داد های زیادی که صرف خرید ، حمل و نقل ، انبار آری ، شکر توزیع - واسطه ها میشد همگی بر دوش مردم فقیر سنگینی میکرد . اغزایش کرایه هزینه آب و برق و قیمت زمین برای خانه های مسکونی نسبت زیاد یازد کارگران - کارمند ان متوسط و جزو و از متوسط و غیره را که تاب مقاومت در زیر فشار سرمایه و کالا های آمریکاییستی از دست داده بودند میزد ایجاد اتاق اصناف و " بازار باگرافروشی " و جریمه های سنگین برای کنندگان و فروشندگان جزو ضررهای این وحشیگری سرمایه و کالا ی امیر در دنیا کمتر میکرد . رژیم شاه در باره جزو و از و جزو و از به منجلا ب انحطاط افتاد بودند ، حتی پارهای از سرمایه داران وابسته از و " نگران " بودند . در میان سرمایه داران خارجی و جزو و از تا سیمات خوبی گذرانی و قطار خانه های کیش مشغول میش و نوش بود حساب ویرانی کشور ایران ، جشنهای گوناگون برای اربابان آمریکایی میدادند . فساد آری در عرصه خواری و دلال بازی در چند مورد که حتی نتوانستند آنها پنهان کنند و ناراضی ها شکل میگرفت . . . ناراضی عمومی همه ایران را فرا گرفته بود . هر روز تعداد بیشتر

افزاده میشدند و هر روز در هر شهر محافل و گروه‌های تشکلی می‌یافتند و آنها هم بفرجه‌ها بودند و حکومت استبدادی شاه نیز هنوز خواب‌های طلایی را رسیدن به تمدن بزرگ را امید بداد

در مقابل ناراضی عمومی که مانند آتش زیر خاکستر بود رژیم شاه فاسد با پلیسی خود را بر مخالفین بیشتر کرد و میخواست بوسیله سرکوب شدیدی با رزمین به بیرون از کشورش آن جلوگیری کند. برناه ریزهای عظیمی برای توسعه ارتش و ساوانی وزند آنها نمود. در اغلب شهرستانها ساختمانهای مدرن و مجهز با کادرتربیت شده برای ساوانی ساخته شد. از تابستان ۲۰۲۰ با انتقال کمیته مشترک با اصطلاح ضد خرابکاری به زندان وقت شهرتانی (صروف به زندان فلکه) استفاده از شیوه‌های مدرن بازجویی و شکنجه زیر نظر متخصصین که در اسرائیل و آمریکا و اروپا بوده بودند و سرکوبی مخالفان به شکل سیستماتیک در آمد. آنها تصمیم به نابودی تمام گروه‌های مخالف به سر قیمت که شده باشد گرفته بودند. پشتوانه این دیکتاتوری و فشار پلیسی در آمد نفت بود که افزایش یافته بود و فکر میکردند که با سرکوب شدیدی مخالفین خود و حامی وسیع مردم بدون مقاومت نظاره‌گر خواهند بود. شاه تصمیم گرفته بود که با آخرین هزینه ضربت شصت نشان دهد. در اسفند ماه ۲۰۲۰ تحمل حزب ایران نوین و مردم برایش ناممکن شد و حزب رستاخیز بعنوان "حزب پراگراف تمام ملت" اعلام شد. دولت رسماً به تمام مخالفین اعلام جنگ داد. شاه میگفت "بیطرف عملی ندارد و با موافق با مخالف که مخالف دیگر ضد انقلاب است" استوار عمل بیگانه آنها بیایند با سیورت بگیرند و بهر جا که میخواهند بروند. ایران دیگر جای آنها نیست. در سال ۱۹۷۹ قانون تصدیدی مجازات از مجلس

"مشره" حبس طولانی بدادند. ضربات شدیدی به تمام گروه‌ها و سازمانها وارد آمد. اکثر هسته‌های سیاسی در ۱۰۰ روز در بهار ۵۷ متلاشی شدند و دستگیرگشای شدیدی و استفاده از تضاد درون جناح‌های همی و غیره همی (مجاهدین) رخ داد. جناح‌های همی تقریباً نابود گردید و جناح غیره همی (مجاهدین) ضربات شدیدی خوردند. و سایر گروه‌ها نیز در این سالها ضربات وارد آمد. شدت شکنجه‌ها به حدی بود که تعداد زیادی از زندگان انقلاب در کمیته شهید شدند. تعدادی نیز محکوم به اعدام و تیرباران شدند. فروردین ۱۳۵۷ نفر از انقلابیون را که سالها در حبس بودند به تبه‌های ابرو و وجود بازوها آنها را تیرباران کردند. اما زندانیان سیاسی نیز مقاومت خود ادامه میدادند. در اسفند ۲۰۲۰ تا اوایل فروردین ۱۳۵۷ سیاسی در زندان قصر مدت یک ماه در برابر پلیس به ریاست سرگرد زما (که بعداً سرهنگ شد) مقاومت و اعتصاب غذا دست زدند و عصبانیت زندانی‌های عادی و زندان مجرد و کتبی کاری‌ها شلاق نتوانست مقاومت آنها را درهم شکنند و به خواستهای خود رسیدند. در جریان اعدام ۹ زندانی فروردین ۱۳۵۷ مقاومتی دیگر زندانیان سیاسی را در زندان قصر فراگرفت که عکس العمل شدیدی به پلیس و اوج شدیدی اما رژیم شاه هنوز از موضع قدرت حمایت میکرد. از فروردین ۱۳۵۷ زندانیانی که محکومیتشان تمام میشد به کمیته و به زندان اوین برده و بدون سزا و بدون هیچ مجوزی در شرایط اختناق و آزادی نمیگرفتند. رسولی بازجوی جلال میگفت "آزادی مجسمه‌ای بود در آگر در سالهای قبل شکل مبارزه چریک‌های فدائیان از مبارزه خودهای جدا بود بسیاری از روشنفکران و گروه‌های مبارزان تحت تاثیر قرار دادند. در این

نفکران انقلابی بیشتر متوجه خود مردم شده و بخصوص گرایش به شرکت در
 زات اقتصاد و سیاسی طبقه کارگر افزایش یافت . و همچنانکه میدانیم
 و بسیاری از گروهها و سازمانهای موجود از همان سالهاست شده بود .
 و دولت وابسته به امپریالیسم و در رأس آن شاه نتوانست جنبش انقلابی
 را کوب کند و برعکس طلا به های جنبش خود های در تابستان ۶۰ به شکل مبارزه
 زان واقعا تشدید است خود به جز و آزی شهری برای ایجاد مسکن در خسار ج
 مد و ده آغاز کرد بد که روز بروز عظیم تر و گسترده تر میشد . از سال ۶۰ به بحران
 اقتصاد ایران با وج خود میرسد و برنامه های اقتصادی دولت بتدریج -
 کستگی خود را نشان میدهد . کمیسیون بازرسی شاهنشاهی با جلسات و
 سی های ویژه خود از " تنگنا ها " و " طرحهای زمان بندی شده " نیسز
 نسبت کاری از پیش میرود .

در سال ۶۰ بحران اقتصاد و سیاسی آمریکا تشدید میشود . بحسب
 نادی همراه با شکست برنامه های سیاسی و نظامی آمریکا در آسیا جنسوب
 و ناراضی سربازان و مردم زحمتکش در آمریکا به اعتباری و هر چه بیشتر
 شدن آمریکا در صحنه بین المللی ، بخصوص در ارتباط با خشونت های نظامی
 انداختن کودتا های خونین در کشورهای وابسته و حمایت از رژیم های
 پاداری . در خود آمریکا منعکس شده و دولت انحصارات مالی و صنعتی و
 بی رامجور به عقب نشینی افتادن به یک موضع پاسیو میکند ، در نتیجه در
 دوم سال در انتخابات حزب " دمکرات " بارهبری طاعرا الهیالی کارتر
 صحنه میشود . انعکاس شکست سیاستهای آمریکا در رویتام و آسیای
 با شرقی و منفرد شدن آن در صحنه بین المللی در منطقه به شکل پشتیبانی

نظامی از ایران است " ژنرال بازرانی " وادار کرد ن بازرانی به قبول شکست
 فراخواندن نیروهای مسلح از کردستان عراق بود که علیه رژیم بعثت و با کمک
 پشتیبانی شاه مبارزه میکرد .

عوامل داخلی و خارجی مجموعه است بدست هم داده و رژیم دیکتاتور
 شاه را وادار کرد که از موضع ضعف با مخالفین برخورد نماید . دوره ای از مساع
 ۶۰ آغاز میشود که اولین انعکاس آن در زندانهای سیاسی کشور ظهور میکند و
 پیش زندانیان آن دوره به " جبهی کراسی " مشهور است . تعقیب بازرانی
 کشته شده سطح شکنجه و آزار در زندانها آید و میزان محکومیت همسا
 کاهش میدهد ، گروههای صلیب سرخ به زندانها راه مییابند و بعد از -
 روشنفکران لیبرال شروع به انتقاد از دولت میکنند . و زمینه با اصطلاح
 " فضای باز سیاسی " بتدریج فراهم میشود . سیاست حقوق بشر کارتر تسرو
 جبهی کراسی اثرات معکوس بر جای گذاشت چرا که ریشه بحران در تضاد های
 عمیقی بود که با آن اشاره رفت . و مبارزات زندانیان سیاسی گسترده تسرو
 همگانی تر شد . اعتصاب طلا قاتبا ، اعتصاب غذا ، تجمعی های دسته جمعی
 به زندان های نشان دهنده این خصوصیت است . با روی کار آمدن دولت
 آوزگار در تابستان ۶۰ به جای دولت " هویدا " و طرح " فضای باز سیاسی
 د اخته مبارزات همچنان خود های مردم کشیده شد و جنبش خارج از محدود شد
 بسیاری از محلات و خانه نشین های تهران گسترده شد . مقاومت دست
 جمعی خود های مردم در برابر ولد ویز های شهر داری که قصد خراب کردن
 خانه های خارج از محدود را داشت با اصطلاح طبق " ماده ۶۰ " شهر داری
 غیر قانونی بود ند مطعت بیشتری یافت . اینبار د بگزندان زحمتکش و کارگران

پیشه ویران تپه دست که فشار چندین ساله را تحمل کرده بودند مستقیماً
 با آمریکا دولت وابسته به آمریکا در افتادند . سالها فشار و محنت و کسرتن
 روحانیون و سرمازگیری از ظلمه ها زندانی کردن و تحقیر آنان و قم راهبستوش
 آورد و قیام مردم قم و سرکوب خونین و بیرحمانه آن و بجای گذاشتن و همسایه
 شهید شروع انفجار جدید بود . در مراسم روز چهلم شهید ای قم و تبریز
 قهرمانان و روز و شهید مبارزه شد استبداد و پها خواست . توده های وسیعتری
 شرکت در مبارزه داشتند و جوانان و زحمتمندان خستگی ناپذیر مبارکبار مسلمانی
 ارتش و سپه پاسانی دست آموختن خون غلطیدند . مبارزه به اصفهان و شیراز
 تهران و بندر ریج به سرا سراسر ایران گسترش یافت . مردم پها خواست مستقل از
 هر گروه و سازمانی قهرمانان همیشه می رفتند و شهید میشدند . پها خواهان افتادند
 یک شهید بعد ها مبارزه در سراسر ایران جای آورد و میگردند . مردم بی نام
 و نشان مبارزه میگردند ولی رهبران در لفظانه و محافظه کارانه " اعتراضی "
 میگردند و دولت را " نصیحت " میگردند . مردم به رگبار دست میشدند ولی
 از رهبران " عذر خواهی " میشد . نکته قابل توجه در همین جا است . امریای
 لیسم آمریکا و شاه وابسته باه در برخورد با مبارزان مردم دوگان برخورد
 میگردند . در مورد مردم سرکوبی و بخون کشیدن ولی بار رهبران سازش و
 استعالت کردن در شد مبارزان مردم و دامنه وسیع جنبش و امریالیسم را
 بفکر چاره انداخت ، دولت شریف امامی " دولت آشتی ملی " بجای آموزگار
 نقیست ، و بده مجازات خطاگران و برکناری رشوه خواران داده شد . شریف
 امامی به سابقه روحانی و مذهبی خانواده خود اشاره میگردند و رهبران
 روحانیت جراح میزنداد . در واقع " آشتی ملی " منظور آشتی با رهبران

سازشکار بود ، زیرا اگر توده مردم انگیزه مادی در مخالفت با شاه داشت
 ظلم و ستم چندین ساله را (در کارخانه ها و کارگاههای کوچک ، ترس و
 ناشی از گرانی و اداره خانواده چند نفری ، اهانت مأمورین پلیس و راهب
 رانندگی و جریمه اتاق اصناف و . . .) را با پوست و گوشت خود لمس کم
 بذکرگینه و عشم را در وجودشان کاشته بود ، رهبران روحانی برای اینکه با
 " تو عین " شده بود ، " گله " داشتند . اگر مردم با دست خالی در جا
 ضلع مبارزه مستقیم دست میزدند ، رهبران در انتهای گرم خود ما
 را " نصیحت " میگردند که دست از " افراط " (و گنج روی) بردارند و به
 عوجه کنند ، و اینجاست که امریالیسم و شاه برای جلوگیری از دامنه جنب
 گوشه چشمش هم به " آیات نظام " داشتند که از " تند روی و شعارها و
 جلوگیری کنند ، جنبش عظیم توده های مردم علیه شاه گسترش مییافت .
 روز قبل از ۲۷ شهریور ۷۷ وارد شیراز شد و با پها خواهان از جانب کارش
 میاید و از شاه میخواهد که با شرکت افرادی چون سنجایی - جم و . . .
 تشکیل دهد و خود قدرتی فرمایشی باشد . لیکن شاه میگوید با حکومت نا
 ناراضیتهار اتمام میکنیم . تظاهرات روزهای ۵ (۶) و ۷ شهریور رخ
 کشاندن آن در روز ۲۷ شهریور اعلام حکومت نظامی در ۲۸ شهریور هشتم
 راهبستوش ایران موجود آورد . آمریکا هنوز قدرت شاه اعتماد داشت
 مهم این بود که در گرد توده های وسیع مردم شاه را نصیحت خواستند . تأسیس
 سرکوب خونین ۲۷ شهریور آشکارتر شد . جنبش داشت شکل طبقاتی شد
 میگرفت . طبقه کارگر مخصوصاً از ۲۷ شهریور وارد صحنه مبارزه شد .

از گوشه‌هایی از این امتیاجات کارگران مساله را روشنتر میکند :

۱۳ مهر: امتیاج ۷۰۰ کارگر به‌الا بشگاه تهران از ۲۲ شهریور داده دارد

۱۵ مهر: شروع امتیاج کارگران کارخانه سینود و غیره در ۲۲ مهر

کارگزاران و مرد در بخش خصوصی و دولتی استان گیلان .

۱۷ مهر: ۳۰۰۰ کارگر ذوب آهن دست به امتیاج زدند هزینه این سن

امتیاج از ۲۸ مرداد چیده شده بود .

۳۰۰۰ کارگر شهر اری‌آباد آن در ظرف دو ماه گذشته برای دو سینه

بار دست به امتیاج زدند .

۲۵ مهر: ۸۰۰ کارگر کارخانه‌های سعادت و نساجان و ۵۰۰ کارگر کارخانه‌های

اتاویسکار نیز دست به امتیاج زدند .

امتیاج ۲۰۰۰ کارگر جنرال موتورز ایران در یکلومتر ۱ جسماده

کسج .

امتیاج ۳۰۰۰ کارگر و کارکنان شرکت ذوب آهن باقی

امتیاج در به‌الا بشگاه آبار آن

امتیاج ۲۰۰۰ کارگر کارخانه‌های مافندگی انشازویز به‌الی داده

دارد .

۲۶ مهر: امتیاج ۱۵۰۰ کارگر کارخانجات پارسه باقی مقدم داده دارد .

امتیاج صد هاتن کارکنان سد فرح داده دارد .

۲۰۰۰ کارگر آجری‌های عمیق امتیاج کردند .

۷۵۰ کارگر کارخانه فرقه زینا (کارگران ایرانی و خارجی) امتیاج کردند

امتیاج کارگران کارخانه کفش وین داده دارد (امتیاج بین رایسنه

کارخانه راه نمیدهند

- اعتصاب ۵۰۰ کارگر کارخانه لوله و ماشین سازی در جاده ساوه .

- ۱۰۰ کارگر نیروگاه اتمی اعتصاب کردند .

- اعتصاب ۵ روزه کارگران شرکت زامبادا راه دارد .

۲۷ مهر : ۳۰۰ کارگر کارخانه الیاف و کارگران بی اف گودریچ اعتصاب کردند

۶ مهر : ۵۰ روزه اعتصاب سه کارخانه چیت سازی و ممتاز و واطلس مسی

گذرد (۷۰۰ کارگر)

- اعتصاب کارگران گروه صنعتی بهشهر ادامه دارد .

۳۰ مهر : کارگران کارخانه مینو بخاطر آورد نشدن خواسته های شان راه پیمایی

کردند (۱۰۰ کارگر)

- ۶ روزه اعتصاب ۲۰۰ کارگر گروه صنایع ساختمانی آکام میگذرد .

- ۵ روزه اعتصاب ۱۰۰ کارگر شیلات مازندران میگذرد .

- ۵۰۰ کارگر شرکت انیال اعتصاب کردند .

هر چند خواسته های اکثر کارگران اعتصابی در ابتدا اصفی بود ، اما با توجه به

جنبش سرتاسری علیه حکومت استبداد ی وابسته و وجود گروه ها و سازمان های

ظرفدار طبقه کارگر - این اعتصابات در ادامه خود رهبری جنبش خاص طبقه

کارگر را بوجود می آورد (و جنبش عملت گاملا طبقاتی با هدف نهایی زمین را بیستد ا

میگردد) و امیرالیمم آمریکا و نیز روحانیت خود متوجه این خطر شده بودند که

اگر جنبش جنبش ایجاد شود و توسعه ی بد ا کرده و دیگر کنترل آن از دست آنها

خارج شده و در واقع این جنبش خود آنان را نیز نابود خواهد کرد . اینجاست

که خمینی در روز ۷ مهر از تهریس در پیامی که به نامت آغاز سال تحصیلی فرستاد

بود (سال تحصیل بخاطر اعتصابات و انشور آموزان بد تشویه شد ، جنبش

میگوید :

" . . . از انجمله افکار کونیهستی جلوگیری شود ، چون دولت با این وسیله سر

خواهد ایجاد وحشت کند "

ره نمود هایی که خمینی از تهریس بار اصفی اطرافیاناش (قطب زاده و بزد ی و

۵۰۰) میداد درست در جهت مخد و شر کردن جنبه طبقاتی مبارزه و توسل

جستن به شیوه های پیشکل مبارزه (نظایرات خیابانی و آمادگی برای -

شهادت) صادر میشد . و از این به بعد است که امیرالیمم آمریکا مسی در

بزرگ کردن روحانیت و وادار کردن آنان به کنترل جنبش و اعمال نفوذ در آن مینه

شد . چرا که هم امیرالیمم آمریکا و هم روحانیت در برابر رهبری طبقه کارگر

و افکار کونیهستی وحدت داشتند و مبارزه با این جریان مشخص کارگری در واقع

مبارزه برای بقای خود آنان نیز بود . روز ۱ آبان یعنی یک روز قبل از ولست

نظامی از هاری آثار ره نمود های خمینی در مکن العمل نظایر کتند گان (گوانیک

ساواک در تحریک مردم دست داشت) کاملاً پدید است . آتش سوزی - آتش

زدن مشروب فروشیها - حمله به فروشگاه های لکس و . . . یعنی در تیفای بجا ؛

د نبال کردن جنبه طبقاتی مبارزه تشویق کردن و منحرف کردن آن طبقه جنبه ها

فرعی چون مشروب فروشی که صرفاً از بدگاه مذهبی بررسی میشود و شرط فاصلا

طبقاتی را مذهب میکند . حتی قبل از دولت نظامی از هاری در چهارم آبان

خمینی میگوید : " نظایر کتند گانیکه شعار کونیهستی میدهند در مقابل سی طم

ایرانی که بنام اسلام بها خاسته اند ، یک نیرو نیستند " . و در او اخر حکومت

شریف امامی در مورد برخورد کشورهای امیرالیممستی با حکومت شاه اختلافات

بروز کرد و هر روز که میگذاشت نظریه طرفداری از شاه کاهش مییافت ؛

مال دفاع د یوید اوین وزیر خارجه انگلیس از حکومت شاه ، کمیته تحقیقین
لنی مرکب از : راسل کر ، نماینده مجلس پروام انگلیس - کارلو آنگا سانسسی ،
نده پارلمان ایتالیا - ویرفسور جیمز کاکراخت ، استاد دانشگاه راگزدر -
ات متحده - پیچ از پداری ، روزه از ایران اظهارات د یوید اوین را -
نوم کرده و نتیجه تحقیقات را باین صورت اعلام کردند : " پشتیبانی از حکومت
ایران اشتباه بزرگی است و با ضایع جهان غرب مغایرت دارد "

براین هم در داخل ایران بخاطر او جکیوی جنبش وهم در خارج بخاطر سر
آزاد بکال تر شدن جنبش شاه بتدریج کنار زده میشد و پشتیبانی از حکومت
از قاطعیت برخوردار نبود .

نکته قابل توجه دیگر اینست که در دوران دولت نظامی از هاری طبریز شدت
در مقابل مردم بهر خوردن با " آیات عظام " احترام آمیز است و باز سعی در -
با آنها و نفوذ در جنبش میشود .

در دوران دولت از هاری ، اشغال نظامی روزنامه ها و امتصاب آنان ، اشغال
اصی مراکز صنعت نفت و امتصاب بیک ارجه آنان و ادامه مبارزه به شیوه های -
ظرف در نقاط مختلف و بالاخره قطع صادرات نفت ، دولت از هاری بزانسو
آمد و بعد از ۱۶ روز حکومت بخارج از کشور فرار کرد . در دوران حکومت
ناری مخصوصا ۳ و آخر آن کنفرانس گواد لوپ مرکب از چهار کشور آمریکا ، انگلیس
نسه و آلمان تشکیل یافت که در پایان کنفرانس سری هر چهار دولت با یکدیگر
جه رسیدن بودند که حمایت از شاه بنفع آنان نیست و با ضایع " جهستان
با " تضاد دارد . وینا بر این با جان نشین شدن بختیار بجای شاه کشور حساسی
ن و آمریکا نیز بگوشاه را بعنوان پایگاه خود طرف کرده اند ، اما در فکر جان نشین

خاص برای او بود . و همین جهت بختیار را انتخاب کرد و او با وده به دولت
سوسیال - د موکرات کار خود را آغاز کرد و در طول حکومت بختیار (۳۴ روز) حواد
و جریاناتی اتفاق افتاد که قابل توجهند .

بختیار وده ، انحلال ساواک را بمجلس برد و بسیاری از ادارات ساواک منج
ساواک مشهد تحویل ارتش شده و تابلوی و روانگاه ارتش روی آن نصب شد . و
ساختن ساواک آباد آن تحویل د امیر راهنمائی و رواندگی شد . و
امیرالمهم آمریکا از تشکیل دولت بختیار ، اساسا کنترل جریانات با انحلال -
بارد است و تشبیه بعضی از سران و بطور کلی روی کار آوردن دولتی بدون شاه بوا
اما از طرف دیگر امیرالمهم د مشی در دست خمینی نیز داشت ، زیرا که بختیار
د ارای چند ان نفوذ و خیلی زیاد منفر شده و در مقابل مردم فرار گرفت .

سطح تا تکمیل در مشهد ، قزوین ، کرمانشاه و همچنین شهرداری که در جریبا
برگزاری مشینگ طرفداران قانون اساسی جان خود را از دست دادند و بگر جانی
برای بختیار نیز باقی نگذاشته بود و در دوران حکومت او هنوز در بسیاری از شهر
ریوهای مسلح ارتش ، نفرها مستقر بود و هر نوع اعتماد و ارا زمین میبردند . و
طرف د بگزارانهای طرفدار شاه هنوز لجباعت میکردند و هیچوجه حاضر نبود
با دولتی بدون شاه همکاری کنند . سر لشکر خسرو د قبل از خروج شاه گفت
" اگر بختیار مانع خروج شاه نشود ، گور خود را کند باست " ارتشبد قره باغی د
برورد و لایح د زبول و اهواز که طی آن تا تکمیل مردم حظه کرده و وحشیانه بگولند
می بستند و مردم راز بر تا تکمیله میکردند گفت : " این ولایح عکس العمل مسلسل
نظامیان و فریاد هاشی است که از خروج شاه ناراحت شده بودند "

و همین در تهران - شب هفت آن که در تهران پارس مستقر بود ، از خروج

شاه ناراحت شده و قصد حطه مردم را داشتند که فرمانده نیروی زمینی شخصا به آنجا رفته و آنان را به آرامش دعوت کرد .

در این رابطه ژنرال هوپسرافات خود را در ایران تمدید میکند تا از وقوع کودتای طرفداران شاه جلوگیری کند . در ۳۰ بهمن ماه هود پنگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت : " ما از ارتش ایران مصرا خواستاریم از حکومت جدید پشتیبانی نکند ، ما اعتقاد نداریم که کودتای نظامی مشکلات ایران را حل کند " بنابراین اقدامات ژنرالهای طرفدار شاه و نیز ادامه مبارزه با ارتش نیز در پی از طرف گروههای مختلف مردم زمینه حکومت بهشتیوار است کرد و شعار " مرگ بر بهشتیوار ، نوگرایی اختیار " همگوشد ، بهشتیوار را آنجا حکومت خود به چه کسی پس ، مارکسیستینما ، طرفداران حقوق خلقها اعلان جنگ داد . در کردستان مرتجعترین ژنرالها حکومت میکردند و تا آخرین لحظه سقوط بهشتیوار مجسمه های شاه برقرار بود و نگهبانان مسلح از آن حفاظت میکردند ، صورتی بسیار نادر بود . فرمانده لشکر کرد کردستان عملا " حکومت نظامی اعلام کرده بود .

مردم در خواست مبارزه مسلحانه علیه دشمن مسلح میکردند ، آنها همسایه شعار میدادند ، ژرهبان مارا مسلح کنید ، بیالا خیره قیام شکوهند ، ۲۲۵۲۱ بهمن عمر بهشتیوار را نیز یکبار به برچید .

* * *

در باره :

ماهیت دولت موقت

طی مبحث تحلیل بسیاری از سازمانها و گروههای چپ طرفدار طبقه کارگر و قشری از دولت میگویم مقصود ما دولت به معنی مارکسیستی - لنینیستی آن است تا معنای مصطلح کابینه .

" دولت ارگان سیادت طبقاتی ، ارگان حاکمیت یک طبقه بر طبقه دیگر ، این قدرت تنها مرکب از افراد مسلح نیست بلکه ضماقی نیز دارد از قبیل زنی و انواع مؤسسات فهریه . . . "

بنابراین دولت تنها کابینه یا همراه ارتش یا مجلس رسمی نیست ، در امروز جامعه ایران علاوه بر ارگانهای فوق " شورای انقلاب " ، " دادگاه انقلاب " ، " کمیته های انقلاب " ، " پاسداری " و در مجموع سیستم روح نیز جز " اجزا " متشکله دولت میباشد .

در تحلیل ماهیت دولت و وابستگی طبقاتی آن باید تمام ارگانهای فوق مشابه یک کل واحد - هنگامیکه قدرت را بدست گرفته اند - طی مبحث تضاد جناحهای مختلف بررسی کرد .

بنظر ما دولتیکه بعد از قیام روی کار آمد ، دولت ناشی از قیام نبود و به نتیجه سازش قلی با امپریالیسم بود ، برای اثبات این قضیه مرور مختصری لازم زد نهایی روحانیت و نمایندگان بورژوازی ملی را با امپریالیسم با زگو میگردانیم از وقتیکه جنبش عموم مردم ایران او جگری نبود نمایندگان بورژوازی ملی آنها " مختلف سعی در سازش با حکومت شاه را داشتند . در تاریخ ۵ بهمن

کریم سنجایی رهبر جنبه ملی اعلام کرد :

" ماسلحنت مشروطه برارد نمیکیم و با آن مخالفتی نداریم آنچه که ماسی
خواهیم از زمین رفتن کامل استبداد است "

پند بوش نظام سلطنتی چه باشاه وجه بدین شاه همان پند بوش وابستگی
صیقل ایران به امریالیم آمریکا بود و در حقیقت برای این امریالیم مبارزه طبع
استبداد یعنی سازش با آمریکا در حد همدمانی با کارتر که او هم ظاهرسترا
مخالف استبداد بود . (و در اینجا لازم است به نقش بوزواری طی در امر
امریالیسم و مورد شخص آن ایران اشاره ای بشود .)

(و در این صورت بوزواری طی بعد از سال ۵۶ - دیگر نمیتوانست بدین وابستگی
به شرکتیبا و انحصار انامریالیستی به حیات خود ادامه دهد . و طبیعتی
است که از لحاظ سیاسی نیز سیاست کاملا " محافظه کارانه و سازشکارانه رادری
برای امریالیسم در پیش میگرفت .) و مخالفت جبهه طی باشاه اساسا ۳ ز زمانی
شروع شد که کشورهای امریالیستی بخاطر رشد جنبش در ایران دیگر از نگاه
حمایت نسکرتند . و مخالفت آنها باشاه پایای تغییر سیاست امریالیسم
آمریکا متغیر بود . در زمانیکه امریالیسم آمریکا هنوز از شاه دفاع میکرد ، جبهه
طی دفاع از قانون اساسی و محدودیت اختیارات شاه را مطرح میکرد و حتی در -
زمان دولت پختیار در جبهه طی شکاف افتاد و پختیار کاملا گت دست امریالیسم
آمریکاشد .

در مورد سازشهای سیستم روحانیت با امریالیسم آمریکا لازمست چند
نکات بررسی شود :

خمینی چند روز بعد از ورود به پاریس در مصاحبه ای (به شوری ، چیسنو
آمریکا حمله کرد . حمله به قدرت بزرگ جهانی و نه فقط به امریالیسم آمریکا

که تضاد صدها خلقهای ایران با آن بود در واقع نشان دهنده چند نکته مهم
است .

اولا " خیال آمریکا از برقراری و وابستگی نزد یک حکومت آینده خمینی (با
روی کار آمدن) با شوری واحدی آسوده میشد و ثانیا نشان دهنده موضع
براهینروهای چپ است . زیرا در همان مصاحبه خمینی (میگوید :

" عوامل دولتی میخواهند با پرسر زبان انداختن شعارهای کونیستی در
ایجاد وحشت کنند " که البته کاملا واضح است نه عوامل دولتی و نه آمریکا
وجه حاضر انجام اینکار نبودند و خود " آیت الله " هم کاملا میدانست .
این ادعا در واقع نشان دهنده ترس از رشد گرایشهای چپ - با توجه به
اعتماهاات کارگری - است که در این مورد امریالیسم آمریکا نیز با او همدم است
ثالثا ۳ این سخنان به معنای بود به مذ همیون افراطی که از رشد فعالیتها
و شعارهای چپ جلوگیری کنند و چنانچه میدانیم در ایجاد تفرقه و مخدوثر
سرمطبقاتی مبارزه تأثیراتی هم داشت . مثل حمله گروههای مذ همی به
های غیر مذ همی ها و همزدن این نوع اجتماعات قبل از قیام .

مثلا در راه پیمایی روزاربعین (جمعه ۶ و ۷ بهماه ۵۷) - (اولاً " روحانیت
ستاد برگزار کننده اعلام کرده بودند که شعارهای کونیستی ممنوع است و
وجود این این پلاکارتهای چشم میخورد :

۸ - مرد ادرا افراوش نکتم

- ایران از آخرین نقاطی است در جهان که امریالیسم در آن خواهد چه
باید آرزو کرد ایران گوا امریالیسم باشد .

در این راه پیمایی که ۲ تا ۳ میلیون نفر در آن شرکت داشتند ، در میدان

عده ای تصویرهای دکنتر صد قراپائین کشیدند و در مقابل دانشگاه درگیری خطرناکی ایجاد کردند . و ما شاهد صف آموزگاران که عکسهای خمینی و شریعتی را می بینیم و عسکر و گمرخی روزبه را حمل می کردند که صف را بهم میزنند و این اعمال با شعار " حزب فقط حزب الله ، هر غیر فقط روح الله " انجام میدهد . همین گروهها با همین شعارها به زنان بی چادر و رنگ میباشند .

خمینی در طول چند ماهه قبل از قیام چندین بار حکومت ایران تهدید میکرد که در صورت لزوم دعوت به جهاد میکند ولی عملاً " هیچگاه اینکار را انجام نداد . وقتی مردم مبارز تهران روز ۲۲ بهمن در مقابل ستاد ژاندارمری جانمندانگی اصلاحیه سازیه میکردند و در جاهای دیگر فریاد " رهبران ما را اصلاح کنید " در فضیلهای خیابانهای تهران طنین افکن بود ، امام صد ها روحانی را به رهبری طالبانسی برای تحصن به مسجد دانشگاه فرستاده بود ، به این شیوه نه تنها میخواست با مبارزه مردم را کم کند و این گرایش محافظه کارانه و سازش کارانه رهبری روحانیت را میسر سازد ، بلکه در آن شرایط " تحصن " عبارت از دعوت مردم برای دست نزدن با اقدامات متقابل در برابر گویا های گلوله بود . و آن روی سکه اینکه جریان سازش در ایران داشت مراحل مهم را طی میکرد .

برای اینکه این جریان سازش روحانیت بهتر مشخص شود موضع گویبهای - بختیار ، آمریکا و خمینی را در باره ارتش و نقش آن ، ساواک ، مبارزه مسلحانه و شیوه بدست گرفتن قدرت و تشکیل دولت موقت انقلابی و کابینه انتقالی در دوران بختیار روشن تر میکنیم :

در روز ۲۲ بهمن بختیار اعلام میکند : " من از ارتش اطمینان گرفته ام " ارتش به نفع باقی بارها اعلام کرده بود که : " ارتش کور تا نخواهد کرد و اگر

افراد میباشند تنبیه خواهند شد *

در ۲۳ بهمن در اعلامیههای چنین میگوید : " ارتش باید از کور تنبیه احتمالی جلوگیری کند " و در همان روز هود پنگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت : " ما اعتقاد نداریم که کور تا ای نظامی مشکلات ایران را حل کند " و ستاره اعلام جهاد بطور کلی حتی در حرف بکنار زده شد و از این پس اعلامیه های خمینی در جهت انتقال مسالمت آمیز قدرت است . بعد از رفتن شاه و بعد از انحلال ساواک از طرف بختیار که خمینی در اعلامیه هایش چنین میگوید :

" . . . در روزهای اخیر اعلامیه هایی در تهران و سایر شهرهای ایران در مردم پخش شده است که در آنها مردم را تشویق به انتقام جویی از آمریکا ، ساواک و طرفداران رژیم ساواک کردند . منظور از این اقدامات وارد کردن ما به نیست ، بلکه قدرت و تقدس اسلام است تا بدینوسیله آرمانهای ملی را به روپوشا سازند ، لذا ابروت ایران است که باید بر روی جستن از اینگونه اقدامات نام با توسل به راههای قانونی و مسالمت آمیز مانند اعتصابات و تظاهرات آرام حاکم خود را طلب کنند . " (تکیه از ما است)

در ۲۴ بهمن در اعلامیههایی که از جانب خمینی پخش شده بود که در آن میگوید " برادران و دوستان من ، ملت عزیز ایران ، عسکر و شوق در بیاعتنا نمودم که لازمه است شمار مطلع کنم . توطئه ای از خارج کشور بود است نفع جوین در در اهراس است که باید ملت ایران با کمال هشتماری و شجاعت آنرا خنثی کند ، میخواهیم به مجرد رفتن شاه ، دست هایی از مزدوران و اشرار بر او آورند که با هم ط

مسلمان حمله بارتش و سرپازها و شهرها نمی‌آورد بگرمه مسات دولتی و نظامی کنند و با تبلیغاتی که برای نیروهای نظامی و انتظامی کرده اند، بعنوان دفاع آنان راه قتل عام مردم بیدفاع و ادر نمایند. بدخواهان که میخواهند برای چه سبب اول بیشتر مال ملت مظلوم شده را حفظ و با برگردانند، از یک سو در بین سرپازان و نظامیان و سایر قوای انتظامی دست به اشاعه دروغ میزنند که ملت میخواهد همه شمار از زمین ببرد و از سوید بگراشرا و اجیرانی راه اسم ملت و ادره هجوم بدهد دستگا همای نظامی و انتظامی میکنند، تا ملت را در مقابل نیروی ارتش و انتظامی قرار ادره و نتیجه مطلوب خود را بگیرند . . .

و در همان روز خمینی میگوید: "آمریکا سقوط شاه را مقید و آنرا قطع مسی میداند."

روزه ۲۶ دی ارتش قوه باغی رئیس ستاد ارتش میگوید: "دشمنان ایران در زمین تجزیه کشور هستند، در صد دند وضعی بوجود آورند که هر چه بیشتر در کشور آشوب و بی‌نوا بر پا گردد و این احتمال وجود دارد که همه ای اشرا را همانطور که در پیام حضرت آیت الله خمینی و دیگر آیات عظام نیز بشی یعنی شده است به تاسیسات موم مسات دولتی و دیگر تاسیسات مملکتی حمله کنند و نگرانهای بیشتر برای مسردم راهم آورند . . ."

هیوزینگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ۲۳ بهماه گفت: "ما با ناسایندگان بیت الله خمینی و همرف همی تمسیدی مخالفان ایران در داخل و خارج از ککسور ناس گرفته ایم . . ."

و خمینی حاضر شد. راسی کلارک وزیر سابق داد گستری آمریکا را در واریس میزد و ناتو در چرچ رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا و سایر اعضای کمیته گفتند:

"آمریکاروابط بسیار خوبی با نیروهای مختلف سیاسی ایران به ویژه گسروه طرفداران خمینی دارد."

خمینی در بهام ۲۷ بهماه گفته است:

"اول - بر جوانان غیرود در صرتا سر کشور لا زم است برای حفظ نظم با آن دست از قوای انتظامی که اکنون به آفوش ملت بازگشته اند با تمام نیرو همکاری کند و سا کمال قدرت و حد بیت نگذارند که بدخواهان و مضرترین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند."

"دوم - به نظا هرات و شعارهای رشور علیه رژیم سلطنتی و دولت قاصب ادره دهند و اگر مضرترین و مخالفین اسلام بخوانند اخلاقی بوجود آورند و نظم را بهم بزنند، از آنان جلوگیری کنند. باید ملت بداند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسوولت باشد، بدست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق مییابد. من از جمیع اشخاصیکه انحراف داشته اند و یا گرایش به بعضی مکتبهای انحرافی داشته اند، تقاضا دارم که به آفوش اسلام که ضامن سعادت آنان است برگردند."

مقاومت نکردن در برابر ارتشی که در همان روزها ضد هانفر ابخاک و خون کشید زیر کله اسلام پنهان شده و بجای آن خواسته میشود که علیه "مکتب های انحرافی" مبارزه کنند.

. . . در این موقع حساس که کشور جنگ زده ما پیش از هر زمانی به اتحاد و تضایق احتیاج دارد، باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز جوید. (یعنی همه سعی کنند) اخلال نکنند و نظم را حفظ نمایند.

سوم آنکه: دولت موقت برای تهیه مقدمات انتخابات مجلس موم مسان بزود:

مصرفی میشود و کار مشغول خواهد شد . وزارتخانه ها موظفند که آنان را پند برون
فته و با آنان صمیمانه همکاری کنند . اینجانب بصلاح وزیر قانونی میداند
که برکناری خود را اعلام کنند و خود را در مسیروقت قرار دهند .

چهارم آنکه به جمیع نیروهای انتظامی ، زمینی و هوایی و دریائی و صاحب
منصبان و افسران و درجه داران ارتش و ژاندارمری و غیر آنان توصیه میشود که دست
از حمایت شاه که مخلوع است و بکشور بر نمیگردد بردارند و ولت بسند
پیوندند که صلاح دنیا و دین در آنست .

یعنی حیاتیاتی که ارتش در طول موجودیت خود در دوران حکومت استبدادی
شاه مرتکب شده و بخصوص در طول یکسال مبارزه مردم ایران که سرتاپای پیش
بخون آلوده بود بکاره یابی میشود و با پیوستگی ولت آب تطهیر طهارت بر سر
آنها ریخته شده و گناهان شان پاک میشود . وزرائی که سالها عامل استثمار
خارت و بیروانی صنعت و کشاورزی و فرهنگ بودند با اعلام برکناری ولت پیوسته
اند و دین و دنیا ی آنها منون است

را اکنون این سؤال پیش میاید که چرا آمریکا حاضر میشود بیستم روحانیست و
بورژوازی ملی را قبول کند و دست از حمایت شاه بردارد . و چرا روحانیست و
بورژوازی ملی حاضر به چنین سازشی هستند ؟

در مورد نقش بورژوازی ملی ولت سازش آن با امیرالمجم قیلا توضیح داده
شده است . و نبود های آن سازش را قبل از قیام در مصاحبه های بازرگان و موضع
گیریهایش بخصوص هنگامیکه از طرف امام به نخست وزیر منصوب میشود و
کاملا میتوان دید . مثلا در روز بهمن بازرگان اعلام کرد که : " توافقی ضمنی

بین بختیار و پهلوی وجود دارد که بموجب آن بختیار پس از تشکی
دولت وقت اسلامی کناره گیری میکند .

آمریکاییان امیدوار بودند که بعد از رفتن شاه راهی برای پایان دادن
اعتصاب نفت پیدا شود و بازرگان درست در همان رابطه قبل از قیام به
نخست وزیر دولت وقت راهی جنوب شد و از اعتصاب پیون خواست که تولید
را ادامه دهند .

(با توجه به اهمیت بورژوازی ملی و مخصوصا توضیحاتی که قیلا در
این طبقه دیگر نصیحت بدین امیرالمجم حاکمیت سیاسی را بدست
گرفت و با پشتیبانی امیرالمجم در بورژوازی ملی نیست و مخصوصا اینکه به
دستگاه دولتی وابسته بدین در هم شکستن آن که با هزار بند به امیرالمجم
وصل بود دست ای دیگر از بورژوازی کپهر را در بنامی دیگر دولت وقت
انقلابی - وظیفه دلالی امیرالمجم را انجام میداد . و اما بیستم روحانیست
که اساسا از موضع نفوذ الهی در تضاد با امیرالمجم بود و ولت به خاطر
از سلط شدن طبقه کارگر تحت رهبری حزبی که در مبارزه طبقه کارگر رهبری
آن آید بده شده باشد و فقط و فقط به نیروهای طبقات انقلابی و مبارزه آن
متکی باشد و حاضر به سازش با امیرالمجم میشود . و همانطور که میدانیم
اساسا تحلیفات خمینی علیه کمونیسم و شمارهای کمونیستی وقتی اوج گرفت
که اعتصابات و وسیع کارگری در ایران شکل گرفته بود و هم امیرالمجم و هم
روحانیست میداند اگر این اعتصابات ادامه یابد و مبارزه طولانی
پرونده ایجاد حزب طبقه کارگر رهبری طبقه کارگر بر جنبش تکمیل شده و در
کنترل از دست آنها خارج خواهد شد و دیگر نه جایش برای امیرالمجم باقی

خواهد ماند و نه " حکومت اسلامی " روحانیت . اما سازش سریع روحانیت با
 امپریالیسم و هم نوائی، پیروازی ملی در مرحله ای که هنوز مبارزات طبقه کارگر
 در مراحل منفی خود بود از یکطرف و بی توجهی گروهها و سازمانهای مارکسیستی
 با این جریان مهم و محدود کردن مبارزه این گروهها به جنبه های اقتصادی و -
 و اکنونیستی از طرف دیگر نتیجه اش این شد که در جنبش طبقه کارگر نیز شکست
 بیفتد و خود این مبارزات بد نبال رهبری روحانیت و پیروازی ملی سازشکار برود .
 در حالیکه " رهبران " دارند به توافق میرسند و بختیار می خواهد استعفای
 خود را اعلام کند و با خیال خودش مجدداً اورا بعنوان نخست وزیر انتخاب
 کنند ، قیام توده ها در تهران علیرغم میل " رهبران " و امپریالیسم آغاز میگردد .
 موقعیت انقلابی ایجاد شده احتیاج به یک جرقه داشت که این جرقه در
 اثر حمله لشکرگارد جاویدان به پادگان نیروی هوایی در روز ۲۲ بهمن ایجاد -
 میگردد . مردم قهرمان تهران به سمت پادگان نیروی هوایی میروند ، کادرهای
 نیروی هوایی ، سربازان ، درجه داران ، همافران ، دانشجویان اضروی و اضراً
 جز مردم را مسلح میکنند . مردم مسلح به سمت پادگانهای لویزان ، مشرت آباد
 جمشید به بهافشاه . . . میروند . در خیابانها و اطراف پادگانها زود و خشن
 شدید و درگیر میشود . سربازان مقاومت نمی کنند و بسیاری از آنان با اسلحه های
 خود به مردم می پیوندند . در گرما گرم نبرد نمایندگان روحانیت با بلندگو سسه
 خیابان می آیند و مردم را از مبارزات مسلحانه بر حذر میدارند . پادگانهای یکی
 پس از دیگری سقوط میکنند و ارتش با تحمل ضربات شدید ی تقریباً از هم گسیخته
 میشود و بعضی از سران ارتش کشته ، بعضی دستگیر و بقیه تسلیم میشوند و اعلام
 همبستگی مینمایند . ستاد ارتش تحویل دولت موقت داده میشود و این دولت

بلافاصله در صدد بر می آید از قیام جلوگیری کند . بارها اعلام میشود که واحد
 هایی که اعلام همبستگی کرده اند ، مردم حق ندارند به آنها تعرض کنند و لو
 علیرغم تمام تلاشهای ضد انقلابی ، مردم بها خواسته ، رهبری سازشکار ، که
 دیگر به سمت ضد انقلاب رفته است گوش نمیدهند . در اینجابه رهبری روحانیت
 روحانیت گفته ها را بر می شود ، بعضی از مردم درخواست میکنند سلاح
 هایی را که باید داشته بود در مبارزه خونین دست آورد ، و آنند تحویل مساجد
 دهند و در حقیقت رهبری روحانیت شروع به خلق سلاح نمود و انقلابی مینماید .
 در روز ۲۳ بهمن جنبش پادگان گنبد اعتصابها را اعلام میکند . رهبری در برابر
 حملاتی که ارتش در تبریز و همدان مردم میکنند و کشتار آنها در کمال بیشرمی
 توسط سکوت اختیار میکند . (در جریانات قیام از گروههای چپ به شکل متشکر
 بجز چند تن از چریکهای فدائی و مجاهدین خلق ، دیگر گروههای چپ
 طرفدار طبقه کارگر شرکت فعال و سازمان یافته نداشته و اصولاً نمیتوانستند
 کارگران را در این قیام مسلحانه متشکل کنند و بعضی گروهها و سازمانها در آن -
 دوران پسرشکوه هنوز لنگه لنگان بد نبال خواستهای اقتصادی کارگران مسو
 رفتند . و علیرغم شرکت فعال کارگران در جریان جنبش یکساله و قیام ، این
 طبقه نتوانست مستقل شرکت کند و وجود نیافتن سازمان خاص رهبری طبقه
 کارگر که بتواند مبارزات آنرا جمع بندی و رهبری جنبش را بدست گیرد و بتواند
 استراتژی انقلاب بر آن تدوین نماید و شرکت مستقل طبقه کارگر را تا بین رهبری او را
 در انقلاب تثبیت کند ، و دولتاریاد نباله روح جنبش رهبری پیروازی سازشکار
 روحانیت شده و دولت ضد انقلابی نیز در نتیجه قیام تشکیل نیافت بلکه قبل از
 قیام سازش با امپریالیسم شکل گرفته و در جریان قیام نیز از شدت مبارزات -

جلوگیری میکند .

دولت موقت بلافاصله شروع به آرام سازی بود رعین حال بدست گرفتن تصام
 ارگانهای قدرت مینماید . و از همان ابتدا ماهیت ضد انقلابی خود را در بعضی
 از زمینه ها مشخصاً رو میکند . خود بازرگان بعد از چند روز شروع به گلایه از
 کارگران مینماید و نقش کارگران را در جنبش و قیام بیجهت میگرد و میگوید ؛ ایمن
 بازار بود که ضرر میکرد و الا کارگران حقوق خود را می گرفتند و حالا هم بقیه اش را
 و ولا بچنا میخواستند بگیرند * و در ضمن اعلام کرد که از من نخواهد انقلابی فصل
 کنم (دولتی که انقلابی عمل نکند و با امیرالجم سازش کرده و سعی در حفظ
 بقای روابط فئودالی نماید ضد انقلابی است)

اکنون چندین مورد از مظهر دولت (روحانیت بورژوازی) را با تحلیل مسلسل
 مختصری بازگو میکنیم . اصولاً ۳ تحلیل مظهرها اساساً در جهت اثبات دو
 مسأله است (۱) روحانیت وابسته به بقایای تولید فئودالی (۲) خزیدن بخشی
 از بورژوازی ملی بقدرت رسیده و بسط امیرالجم یعنی تعدیل به بورژوازی
 کپراد و درها همکاری بخشی از بورژوازی کپراد و درها زماند باز دوران حکومت شاه .
 ۱ - مظهر های آن بخش از دولت که وابسته به بقایای تولید فئودالی است
 (سیستم روحانیت) .

در رأس سیستم روحانیت شخص خمینی و محمد شوری انقلاب و در کسسه
 انقلاب و کمیته ها و پاسداران و قبه روحانیت قرار دارند . و در مجموع یک هرم
 را تشکیل میدهند که از نظر شکل همان میراخی فئودالی است . هر آیت الله
 در بخشی از مطلق برای خود قدرت مطلقه ای دارد که بخصوص از نظر سیاسی و
 نظامی شباهت زیادی به حکومتهای دوران فئودالی دارد . و مثل تیسول داری

آیت الله ها قبول خود را با کمیته های مخصوص بخود و سپاه ویژه خود
 گرفته اند . مثل شهر مستداری - آذربایجان - مشروازی در خراسان
 در غوزستان - عبدالمزیزولوی در بلوچستان ، ملا حسنی در آذربای
 و دستخیز در فارس . . . که در ضمن وحدت ضد انقلابی و تضادها
 شد بدی میزد ارتد . ولی در مجموع طرح همان ولایت فقیه (حکومت
 است که یکی از جنبه های پرمیانی فئودالی است . مدت کوتاهی از
 رسیدن حکومت جدید نگذشته بود که اعلام شد " مالکیت در اصلاح
 (مالکیت مشروع و مشروط) و بخصوص در مورد تأیید اصلاحات ارضی
 که ماهیتی ضد تکاظمی و ارتجاعی داشت و چنانچه قبلاً اشاره شد در
 به نفع مالکان بود خود گویای این حقیقت است . و درست در جهت
 و حقانان بخصوص در کردستان و گند از تصرف و صادره زمینهای
 بود . این موضعگیری مخصوص در شرایطی که جنبشهای و حقانی بسیار
 و در حقانان امیدوار بودند که دولت از آنها نیز حمایت کند اهمیت دارد .
 جاد حقانان داشتند خود را در برابر آنها بان مسلح زورگو مسلح میکرد .
 سیاست دولت در قیقا " ماهیت ضد و حقانی و ارتجاعی از موضع دفاع
 فئودالی است . بدنبال این موضع گیری دست و دست فئودالها و سر
 برای همبستگی میدیدار خمینی رفت و بخصوص فئودالها و سران مشایخ
 که اتحاد به مشایخی تشکیل داده بودند گفتند ما حاضریم برای دفاع
 بر طبقه کهنیستما (در واقع و حقانان) فداکاری کنیم .

از طریق کمیته ملا حسنی در ارومیه - شیخ گزکسک - فئودالی که با
 شاهنشاهی بوده است مسلح شده و توسط او اکثر مالکین کوچک زمین

نیروی ارتجاعی در منطقه صلح میکردند . در برابر (اطراف کامیاران) برای دفاع از مالکین و جلوگیری از جنبش دهقانان ، پاسدار در آنجا مستقر میشود . در کهنگی و پیرا حید خانها و پادشاهان در رأس کمیته ها قرار میگیرند . در کهنگی برای دفاع از زمینداران بزرگ در برابر دهقانان ، پاسدار و ارتش مسلحند اخله میکنند . در قزوین حدود ۹ نفر از دهقانان را دستگیر و زندانی میکنند . بجرم آتش زدن خرمن در حالیکه عامل این آتش سوزی نفوذ ال بزرگی پاد ارود است . مسلحش بود و اندک بار روحانیون قزوین رابطه حسنه داشته اند و بسیاری نمونه های دیگر که دلالت بر این دارد که دولت وقت روحانیون در نهایت از بقایای روابط نفوذ ال بعنوان پایگاهی اقتصاد و مخصوصا سیاسی برای تسلط خود دفاع کرده اند . همان کاری که رژیم شاه نیز انجام میداد .

در مورد اینکه پایگاه طبقاتی روحانیت بقایای روابط نفوذ ال است یا نه واقفیت را نباید نادیده گرفت و آن اینکه با وجود اینکه سعی در حفظ ایستادن روابط و مسلح کردن نفوذ الها و نفوذ کردن آنان در کمیته ها میشود ، لیکن اقتصاد ایران مخصوص تسلط امپریالیسم و در شرایط انحصارات عظیم مالی و بانکی امپریالیسم این شیوه تولید نمیتواند بعنوان شیوه ای اقتصاد دی دوام آورد . اما امپریالیسم برای تسلط بر ایران از ارتجاع نفوذ ال بعنوان نیروی سیاسی استفاده میکند و تا جائیکه امکان پذیر شود منافع آنان را نیز تأمین میکند . روابط نفوذ ال نیز در برابر جنبشهای دهقانی به تنهایی مقاومت نه ارد و ایمن جنبشها اجازه رشد آنها نمیدهند ، اما دولت وابسته به امپریالیسم از تابوری نفوذ الها و روابط نفوذ ال جلوگیری میکند .

از دیگر مظاهر فرهنگی نفوذ الی که سیستم روحانیت در جامعه پیاده میکند

حد اسلامی (شلاق زدن آدم هست) یا مجرمین دیگر قطع انگشت و دست و پا شکناس کردن عاملین زنای محصن است که در ولایت فقیه به آن اشاره شده است . حجاب زنان و محرومیت زنان از حقوق مساوت و ولایت نیز همان فرهنگ نفوذ الی است . ایجاد دادگاههای شرع که دعاوی راجع به طلاق ، نکاح ، و قسوف (از لحاظ پایه اقتصادی نفوذ الی قابل توجه است) تولیت و ثلوت همگی بیانگر شیوه های نفوذ الی روحانیت است که به قدرت رسیده اند . مخالفت شدید امام با هر گنه " مکرانیک " ، " طمی " تا جائیکه آیت الله منتظری میگوید " انقلاب ما اسلامی است نه ایرانی " و دفاع از روحانیونی چون کاشانی و جمال الدین اسفندیاری در دوران حکومت مصدق و مشروطه - محدود کردن مجازات روحانیون وابسته به دربار از قبیل مهاجرانی - به خلع لباس ، درست در جهت مخالفت با مجازات و مکرانیک وحشی طمی است به نفع فرهنگ نفوذ الی و منافع روحانیتست وابسته به آن .

تشدید اختلافات مذهبی و ملی به رهبری روحانیت و تشویق مذهبین افراطی برای سرکوب جنبشهای ملی و دهقانی زیر عنوان دفاع از مذهب با زهم بازتاب هماف فرهنگ نفوذ الی و استفاده از نفوذ افکار و عقاید ارتجاعی مردم اشد برای تشدید اختلافات و پدیدست گرفتن قدرت مطلق در اینجالات مست مکتبری در باره روحانیت و مخصوص روحانیت شیعه توضیح داده شود :

مخالفت انقلابی علیه نفوذ الیسم در مراکز قرون وسطی جریان داشته و ایمن مخالفت بر حسب شرایط زمان گاه بصورت عرفان و گاه بصورت ارتداد و گاه بشکل قیام مسلحانه تجلی و بروز کرده است .

مبارزه دهقانان علیه بیپسره کشی نفوذ الی در دوران منول تخت لوائی تشبیه

که مخالف مذهب حاکم یعنی تصنیف صورت میگرفت . بسیاری از جنبشهای
 فئودالی زیرزمینی مذهب بود چراکه جامعه فئودالی چنین اقتضا میکرد . سر
 بداران ، سپاه جاگان ، علویان . . . و در نهایت قیام دهلانانی بود که سه
 پست و بیخ از رون خود فئودالیهای جدیدی پرورش میداد و نمیتوانست پارا از چهار
 جویب نظام فئودالی فراتر نهند . همچنین علت ریشه پیدایش و تکامل روحانیت
 فقط در رون همین روابط قابل تصور است (روابط قبل از تولید فئودالی بهمناسبت
 پرورداری و نظیر نیست چون بحث روی ماهیت چیزدانی یا غیر چیزدانی روحانیت
 است و هدف اثبات وابستگی روحانیت به تولید قبل از شیوه تولید سرمایه داری
 است) .

شیخ صفی الدین در آغاز فقط یک جفت زمین داشت و حاصل آن اعاشه
 میکرد ولی در پایان عمر صاحب بیش از ۲ قریه طغ شخصی بود که از طغسرف
 فئودالی گوناگون به وی اهدا شده بود و آنها را وقف خانقاه خویش میکرد .
 او آشکارا به فئودالیان نزدیک بود ولی توانست نفوذ خود را با توجه به زمینسه
 ماد و فرهنگی فئودالی پرروستانیان همیشه بران و اصناف حفظ کند .

رهبری نهضت شیعی قزلباش بدست بزرگان لشکری فئودالی (امیران) قیام
 در حران زمین و ترک زبان بود و است آنها زیرزمینی اسماعیلی صفوی به نبرد میرداد
 ختند . در طی سالهای معدوم چون موفقیت قزلباشان مسلم گشت اندک اندک
 اکثریت قاطع بزرگان اسکان یافته ایران و از آن جمله روحانیون (علما) فقهیسا ،
 شیوخ و راهبان) و امیران به پناه کشوری به شاه اسماعیل پسر مستند . بهمد
 از پیروزی قزلباش مذهب شیعه اثنی عشری مذهب رسمی تلمود ولت صفویه اعلام
 گردید . صنف روحانیت شعبه بعنوان قشری از طبقه حاکم فئودالی در مایه و در
 ارتباط با گرفتن بهره مالکانه ، اطلاق و قهر ، و نیز انواع بهره های فئودالی مثل

زکوه ، سهم امام و غیره با آن مشارکت مینماید .

ملازم بر آن ساکنین شهرها (بازرگانان ، کاسبکاران ، اصناف) بخشی از
 دیوانی و فئودالی را بهر جمع تقلید (صد رهبرانش فئودالی مذهب) برداخت
 میکردند و در واقع رابطه روحانیون با بازرگانان و تامین آنها ازین منبع چنین ریشه
 فئودالی دارد و این رابطه را نباید مجرد و نظر گرفت . چراکه با است سرورگم
 تشخیص وابستگی طبقاتی روحانیت میگردد . با نفوذ امیران به همسران (در
 قاجاریه) بخشی از روحانیون در مبارزات ضد امیران به همسران (که مرتبه
 امیران به همسران امتیازات گوناگون میدادند) شرکت میکنند . اما در این مبارزه
 تلاش در مبارزه صد روحانیت صغیر و شیوه مبارزه آنها موجود است . بهمن
 مثال مبارزه سید جمال الدین احمد آبادی در مقایسه با مبارزه شیخ احمد روحی
 رضا کوتهانی با ناصرالدین شاه و تقاضای اصولی دارد . سید جمال الدین از طرف
 تماس با ناصرالدین شاه و تقاضای بدولت های عثمانی و انگلیس مبارزه میکند و در
 قدرتهای خارجی است ، در حالیکه شیخ احمد و میرزا رضا مبارزه قهرآمیز متوجه
 میشوند . نمونه های سازش صد روحانیت در جریان مبارزات مشروطه نیز پیدا
 (آیت الله بهبهانی)

در دوره رضاشاه در نتیجه اینکه دولت وابسته با امیران به همسران با قوانین نظام
 لشکری و قضایی و حقوقی خاص خود تشکیل میشود ، دست روحانیت از حاکمیت
 و در ادگامها قطع میشود و ایجاد مدارس و کنترل زمینهای وقفی نفوذ روحانیون
 زمینمعلیم و شهیت روجه گاشتی میرود . و قدرت روحانیون را میرتولیدی ، سیا
 و فرهنگی و قضایی کمتر میگردد . در حقیقت در سرنا سرور دوره فئودالی روحانیت ،
 روشنفکران طبقه فئودالی هستند و مستقیما اگر گرفتن بهره مالکانه ارتزاق میکند و
 با اشراف در اعمال مالکیت فئودالی زمین (املاک دیوانه) و خالصه های مقام

کشوری و لشکری) در دولت ملاکان سهم است . و علاوه انبرکت همین سیادت طبقاتی انحصار برخی از نهاد های جامعه از قبیل (فلسفه و علم) ، تعلیمات و فرهنگ و اخلاقی و سیستم قضاوت را دارا می باشد .

با رشد بهره‌روازی وابسته چه بصورت بهره‌وکرانیک و چه بصورت خصوصی و نفوذ هر چه بیشتر انحصارات امپریالیستی بخشی از روحانیون در خدمت امپریالیسم درآمده و بصورت روحانیون وابسته به دربار شروع به مشاطه‌گری چهره زشت امپریالیسم و دست نشانده گان نشان می نمایند . البته از آنجائی که فرهنگ این سیستم نفوذ الی بود نمیتوانستند و قیقا بعنوان روشنفکران بهره‌روازی کمربند برآیند و بهره‌روازی کمربند در همراه با رشد اقتصاد وابسته روشنفکران خاص خود : بخشی از داریان ، مهندسان ، دانشمندان ، اقتصاد دانها ، سیاست‌مداران پرورش داد که همگی سعی در پیشبرد اهداف زمینانی و روحانی وابستگی با امپریالیسم دارند .

و سایر این بار شد انحصارات امپریالیستی در ایران بخشی از روحانیت (بخش بزرگ آن) که نمیتواند خود را با فرهنگ کمربند وری و اقتصاد آن وفق دهد برای حفظ منافع خاص صنف خود علیه امپریالیسم دست به مبارزه میزنند و این مبارزه تا زمانیکه به سازش با امپریالیسم منجر نمیشود ضد امپریالیستی است .

جنبش ۵۱ خرداد ۴۲ همان‌طور که قبلا ۳ بار صرفت جنبش خرد بهره‌روازی ، کارگران و بخشی از بهره‌روازی ملی و رشکسته است که بخاطر نداشتن رهبری و تعصب رهبری روحانیت درآمده و روحانیت با سازمان خاص خود تنها تشکیلات نسبتا محکمی بود که توانست بر این جنبش مسلط شود . و علت این رهبری و وحدت آنها وجود دشمن مشترک - امپریالیسم - بود .

جنبشی اساس تبلیغات خود را روی کارهای کشورهای استعمارگر در ایران و اصلاحات ارضی ، فشار و اختناق ساواک مخصوصا زین رفتن دین و عطر اقتصاد ن

اصلا مثل رواج مدارس غیردینی ، رواج فرهنگ امپریالیستی از طریق سینما ، کاباره و مشروبات فروشیها ، فاحشه‌خانه‌ها ، مخالفت با آزادی زنان که امپریالیسم ترویج میکرد (بسبب فرهنگ امپریالیستی و خارج شدن زنان از قید بند هم فرهنگ نشود الی) ، مخالفت با سیستم دادگستری (که از جنگ روحانیت هم آمد بود) ، مخالفت با ربا خواری ها نکند آری والا خره طرح ایجاد یک حکومت اسلامی که روحانیون بعنوان غلبه از طرف خدا اما مور تشکیل آن هستند فرمیدند . و چنانکه مبینیم خواستهای خمینی اساسا بهره‌روانی نیست بلکه کوشش برای حفظ نهادها و استقلال منافع روحانیت (حوزه‌های علمیه) میباشد که خود مربوط به روحانی و وابسته نشود الی است . جملاتی از ولایت فقیه این واقعیت بیشتر نشان میدهد :

* اسلام ولا بتعهدی نندارد ، اگر نقض باین معنی باشد ، اسلام ناقص است چنانچه برای ربا خواری ها نکند آری توأم با ربا خواری برای میمالف فروش و فحش هم قانون و مقررات نندارد ، چون اساس اینها حرام است ، این هیئت حاکمه دست نشانده استعمار است که میخواهند در بلاد اسلامی چنین کارهایی را بدهند (ص ۱۱)

* در مواردی که آنوقت با قاضی شرع در ظرف دو سه روز حل و فصل میکرد حالا در سال هم تمام نمیشود (ص ۱۲)

* اگر شارب الخمر هشتاد ضربه تازیانه بزنند خشونت دارد اما اگر کسی برای . اگر هر دوین اقدام کنند خشونت نندارد (ص ۱۳)

* ابتدا امد و صغای برادر رجائی تاسیس کردند و ما چیزی نگفتیم و فطرت کرد هم امثال ما هم فطرت کردند که جلو آنرا بگیرند و نگذارند اصلا تاسیس بشود . کم کم زیاد شد و حالا ملاحظه میفرمائید که مبلغین آنها به تمام دها و قضایا رفت

اند وجه‌های ما را نصرانی بایبندین میکنند . . . (۱۴)
" موقوفات را صرف ساختن سینما میکنند . . . (ص ۴۹)

" مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته نشان میدهد . .
برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری يك دولت بزرگ است . . . مثلا " خمس
یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال میریزد و یکی از اقلام بودجه را
تشکیل میدهد . . . اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند باید با همین مالیات‌هایی
که داریم یعنی خمس ، زکوة ، جزیه و خراجات (مالیات بر اراضی کشاورزی) اداره
شود . . .

. . . مخصوصا " با ترنهایی که اسلام برای جمع آوری و نگهداری و صرف آن تعیین
کرد است که هیچگونه حیف و میلی در خزانه عمومی واقع نشود و رئیس دولت همه
والبان و متصدیان خدمات عمومی یعنی اعضای دولت هیچگونه امتیازی در استفاده
از درآمد و اموال عمومی بر افراد عادی ندارند ، بلکه سهم مساوی میبرند . . .

" . . . شارع مقدس اسلام بگانه قدرت مقتد است ، هیچکس حق قانونگذاری ندارد
و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمیتوان نمود اجرا گذاشت . . . در این صورت حکام
حقیقی همان فقها هستند ، سپس بایستی حاکمیت رسما " به فقها تعلق گیرد نه
کسانی که بعزت جاهله قانون مجبورند از فقها تبعیت کنند . . . (ص ۵۲)

تمام این مخالفتها با امتصار ، قانون استعماری و امپریالیسم در دفاع از خواست
های فوق است . که امیک از آن خواستهای جزوایی است ؟



ما بحث درباره روحانیت و ماهیت آنرا تمام شده تلقی نمیکیم و وظیفه خود و
دیگر سازمانهای مارکسیستی میدانیم که با تکیه بر بررسی مبارزات مردم ایران و خصوصاً

واکنش کارنامه دولتی که تحت عنوان " جمهوری اسلامی ایران " حکومت را
دست دارد میبرد ازیم :

جامعه ایران جامعه‌ای سرمایه داری وابسته است که بقایای روابط تولید
فئودالی نیز در آن وجود دارد و اساساً " امپریالیسم با اتکا " به ارتجاع فئودال
است که توانسته است در کشور ما نفوذ کند . بررسی تمام جامعه ایران و طبق
مختلف و شیوه‌های تولید و وظیفه بزرگی است که از عهد يك سازمان به تنهایی
ساخته نیست و این برداشت از جامعه را ما از بررسی موارد مشخص تولید میدهد
آورد ایم . بقایای روابط فئودالی را بیشتر از بررسی کردستان نتیجه گرفته ا
لیکن با کمک دیگر سازمانها و گروههای مارکسیستی - لنینیستی میتوان تحلیلی و
از تمام جامعه ایران بدست داد . این نتیجه گیری باین معنی نیست که نتوان
هرچند کاتلا " دقیق نباشد در مورد بعضی روابط فئودالی که باقی ماند است ،
خراسان ، کهگیلویه و بویراحمد ، منطقه قضایی قضاوت کنیم . و بنابراین تفه
اصلی جامعه را تضاد خلیفهای ایران با امپریالیسم بقایای روابط فئودالی تشک
میدهد . یعنی در وظیفه انقلاب ایران - انقلاب ملی و دموکراتیک حل نشد
باقی ماند هاند . طبیعی است که این انقلاب با توجه به ماهیت پیروزی طلب
شده پیروزی تنها از عهد و طبقه کارگر و ستاد رهبریش که هنوز ایجاد نشده
ساخته است . و بنابراین برای مارکسیستها - وظیفه سوسیالیستی بمعنی تشک
دادن و ایجاد ستاد رهبری طبقه کارگر کماکان در صد وظایف قرار دارد .

اما بیستیم دولت موقت انقلابی که چگونگی تشکیل و قدرت رسیدنش را بررسی
کردیم تا چه اندازه وظیفه ضد امپریالیستی ضد فئودالی انقلاب را انجام داد
است .

از جنبه ضد امپریالیستی - ماقبل نشان دادیم که دولت موقت نتیجه قیام
 خلقهای ایران نیست بلکه نتیجه سازش با امپریالیسم است . کارنامه چند ماهه
 حکومت جدید این مدعا را ثابت میکند :

اولاً در جهت قطع وابستگی با امپریالیسم آمریکا تاکنون نه تنها قدم بر نداشت
 است بلکه برعکس در جهت پیوند بیشتر با آن گام برداشته است . فروش نفت مست
 بعنوان تنها منبع درآمد ایران و بهترین ماده خام که نسبت معدده درآمد ایران و
 بودجه کشور به آن بستگی دارد کماکان در انحصار کنسرسیوم و شرکت های امپریالیست
 لیستی است . اینکه مقداری قیمت آن بالا رفته و با فروش نفت مستقیماً به اسرائیل
 و آمریکای جنوی ظاهراً قطع شده است دلیل بر قاطعیت انقلابی دولت نیست ،
 چه در دوران حکومت شاه نیز در سال ۲۵ قیمت فروش نفت افزایش یافت و لیسلی
 ایران بعنوان تولید کننده مواد مخام و امپریالیسم بعنوان غارتگر این ماده و تولید
 این ماده به فرآورده های متعدد صنعتی باقی ماندند . ملی کردن صنعت نفت به
 معنای قطع نفوذ کامل انحصارات نفتی بر فارت این ماده خام است و تولید این
 ماده خام در جهت تقویت و بازسازی صنعت ملی ، طبیعی است در شرایطیکه
 درآمد نفت تنها درآمد قابل ملاحظه کشور است و در شرایطی که بیکاری بطور
 وسیعی نه تنها کارگران بلکه عده زیادی از متخصصین ، دیپلماتها و فارغ التحصیل
 ها را تهدید میکند و کارخانه های تولید کننده مواد مصرفی و خوراکی هنوز نتوانسته اند
 نیازهای داخلی را تأمین کنند و گرانی بارگرازی مردم و زحمتکش است ، و در
 شرایطیکه در اثر جنبش یک ساله و قیام شکوهمند آگاهی سیاسی اقشار مختلف
 خلقها بالا رفته است ، ثابت نگه داشتن قیمت نفت در واقع تشدید این تضاد و
 ناگزیر رشد مبارزات ضد امپریالیستی خواهد بود . و این افزایش قیمت نفت نیز در صورت

در همین جهت است ، یعنی جلوگیری از مبارزهای جدی علیه امپریالیسم که مو
 موافقت امپریالیسم نیز قرار میگیرد چون موجودیت خود را در خطر می بیند . در
 مورد قطع صادرات نفت به اسرائیل و آمریکای جنوی اولاً مردم ایران حکومت بخ
 نیز چنین قولی دادند . ثانیاً در شرایطیکه شبکه های توزیع ، کارتل های غربی
 کشتیهای حمل و نقل و حتی بنادر بارگیر توسط انحصارات عظیم نفتی اداره میش
 هیچ تضمینی برای آن وجود ندارد و بعد از فروش نفت کنترل آن در بگرازاختی
 حکومت خارج است و تنها یک نوع بزیاسی است .

و در مورد صنایع وابسته و بانکهای متعدد که وابسته به انحصارات مالس
 صنعتی هستند چه اقداماتی انجام شده است . ملی کردن بانکها و تعدادی از
 صنایع و در واقع کنترل و تصاحب آنها از طرف دولت موقت به هیچوجه به معن
 اقدامی ضد امپریالیستی نیست . زیرا که بانکهایی که در دولت اختیار آن را بد
 گرفته و نام ملی بر آن نهاد است ، در واقع بانکهایی بودند که مخصوصاً در جری
 جنبش یکساله بعنوان نظیر از امپریالیسم بارها از جانب مردم مورد حمله قس
 گرفت و امکان فعالیت بانکی نداشتند و از طرف دیگر نسبت به پرداخت بدهی
 خود به دولت و بانکهای خارجی ناتوان بودند و بنابراین صاحبان و سهامداران
 بانکها قادر به اداره آن نبودند و در ضمن اگر از لحاظ مالی نیز میتوانستند آن
 اداره کنند اعتماد به ثبات بازارهایشان نداشتند . کنترل این بانکها از طس
 دولت و نحوه حساب با سهامداران آنان در صورت در جهت کمک باین سهامدار
 است که میتوانند در جای مطمئن تری سرمایه گذاری کنند . در این مورد بهترین عا
 که میتواند نشانه اقدام ضد امپریالیستی باشد ، عبارت از ملی کردن اقتصا
 مالی مستقل و قطع نفوذ انحصارات بانکی به بازارهای ایران و قطع پیوند با دلا روکم

پولهای دیگر امپریالیستی و جلوگیری از تانیمرات آنها به زار ایران . و در شرایطیکه
 دلا رهای حاصل از فروش نفت و اعتبارات بانکیها و انحصارات امپریالیستی توسط
 دولت موقت مورد بهره برداری قرار میگردد و از این نظر ابتکار عمل با زهم در دست
 امپریالیسم است ، این اصطلاح ملی کردن آنها نیز به کنترل امپریالیسم رسمی
 آید . در مورد بعضی صنایع وابسته - دولت موقت بارها از صاحبان فراری آنها
 دعوت به بازگشت و همکاری نمود هاست و در سه فقره باین نوع صنایع کمک مالی
 کرد هاست یعنی در واقع با زهم ادامه وابستگی . صادرات گندم و برنج آمریکائی
 از سر گرفته شده است و صنایع مونتاژ و غیر مولدی مثل ایران ناسیونال زیر حمایت
 دولت بحیات خود ادامه میدهند . و عکس آن یعنی کمک به صنایع ملی و اقتصاد
 ملی و کناره رزی ملی اصلا مورد توجه قرار نگرفته است . در مورد جنبه د مکرانیک و
 مبارزه با بقایای روابط فئودالی ، دولت موقت نه تنها گامی برند اشتهاست بلکه
 کا مل در جهت عکس آن و حتی شدید تر از دوران حکومت شاه عمل کرد هاست .

اولا ۳ اصلاحات ارضی شاهانه را کاملا تأیید کرد هاست برای نمونه حتی قسط
 با اجاره میک سال زمین د هقانان رانه بخشید هاست ، ثانیا ۲ در برابر هقانانی که به
 صادره املاک فئودالیها باز پس گرفتن زمینهای که در زمان حکومت استبدادی
 شاه نصیب شده بود ند حتی به ارتش و نیروی مسلح نیز متوسل شد . (نمونه های
 گنبد و ترکمن صحرا) و این مالکیت فئودالی مالکین را بر رسمیت شناخت و د هقانسان را
 بشدت از تصرف مجد د آن منع کرد .

ثانیا ۲ حتی در برابر اقدام خود د هقانان یعنی بر تصرف زمینهای خود و مبارزه با
 مالکین ، دولت موقت مالکین را بطرق مختلف با از طریق کمیته ها و بانکها پاسدار
 مسلح کرد و عملا نیروی مسلح د مقابل آن قرار داد . نمونه ۳ آن مسلح کردن شیخ

گزگسک و شام خرد مالکین منطقه اشنویه ، پیرانشهر و سردشت توسط کمیته
 حسنی در برابر آواره نمودن صد ها خانوار د هقان د منطقه سوما - برادر وست
 کوچکترین حمایتی از د هقانان آواره شده علیه خانها و روسای عشایرانجس
 ند اد . و عملا نیروهای مزدور قیاده موقت را د منطقه نگهداری کرده و بطرف
 د درخواستهای مکرر خلق کرد در تظاهرات - اعلامیهها - قطعنامه - نامهها
 سرگشاده و اثبات وابستگی آنان به ساواک و میت و موساد اسرائیلی آنان را روز بر
 تقویت و مسلح کرده و عنوان زاندارم منطقه د سرکوب جنبشهای د هقانان
 مبارزین و فعالیتهای د مکرانیک از آنها استفاده میکند . کاری که حتی شاه جبراً
 نمیکرد باین صورت آشکار و علنی از جنبه نیروی ضد انقلابی پشتیبانی کند ، آنسا
 بارها جاد هها را کنترل کرده ، به دستگیری و کتک کاری و حتی قتل مردم بید فدا
 پرداختند ، در تصرف و اعمال مرکز را د بوتلومین چون سنندج و ایلم راه سلحانه
 شرکت داشتند ، در اشنویه عملا بعنوان نیروی تهدید کننده د منطقه د آمده
 اند . معهداد دولت از آنها حمایت پشتیبانی میکند . حتی جسد ملا مصطفی
 رهبر اصلی قیام موقت و نوکر حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا و شاه ایران و خائن
 درجه اول خلق کرد را با هواپیما ارتش با اصطلاح ملی از آمریکا به ایران بازگرد
 در مورد دیگر فعالیتهای د مکرانیک - دولت موقت - عملا ۲ سنت به تقویت
 نیروهای قالا غژ - اجیر کردن مزدوران حرفه ای که با شمار ۲ حزب فقط حزب الله
 . . . به گنبد و شیبا ، متینگها و تظاهرات و اجتماعات حمله میکنند زد هاست
 و همه ۳ بین اعمال ضد مکرانیک زیر حمایت دولت موقت و با نظاره و غوغا سردانه آن
 انجام میدهد . کوشش برای ساز سازی ساواک و اداره اطلاعات و ضد اطلاعات
 د نیروهای مسلح ، عفو عمومی جانان ساواک و فراهم کردن شرایط مناسب برای

زند انبهای کوتاه مدت آنان و در مقابل تشکیل دادگاههای فوق العاده و سریع و اقدام مبارزین عرب در ظرف کمتر از ۲ ساعت با تمام اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران، تهدید و حمله به روزنامه‌ها و حتی تدارک زمینه مخالفت و مبارزه با آنان... دستگیری و شکنجه مبارزین و مجاهدینی که دارای سابقه درخشانی در مبارزه علیه رژیم شاه بودند، منوع کردن زنان از حق وکالت و ولایت... از حمله فقط تیرهای مبارزه با هرنوع مبارزه و مکرانیک است. نحوه رفتار و م... برای جمهوری اسلامی و متحد و کردن آن به فقط جمهوری اسلامی آری بانه... علی‌رغم وعده دولت موقت قبل از انقلاب رسیدن فرمایشی مجلس مؤسسان و تهدید پل آن به مجلس خبرگان و انتخابات کابلا انحصارگرانه آن در شرایطی که پاسداران اعزامی بکردستان باعث شده بود که مردم مرهویان شهر خود را ترک کنند. پشتیبانی از سازمانهای اجتماعی مثل آمل و تعطیل و قترما زمان آزاد بیخس فلسطین در اهواز سلب هرنوع فعالیت علمی سازمانها و گروههای انقلابی و مکرانیک در اکثریت مناطق و شهرهای ایران و ^{منحصر} کردن تبلیغات و فعالیتها فقط به گروهی خاص زیر نظر آیت اللهها... تسلط بر داد و ستد تلویزیون موسسه آقای قطب زاده... دست پرورد^{۱۲} امیرالیمم... رهبری چنین اشخاصی بر ضد اوسمای جمهوری اسلامی و این وسیله جعل و وارونه کردن کلیه اخبار و گزارشات و رواج تبلیغات ضد انسانی و عوامفریبانه از طریق تلویزیون سرتاسری... جلوه‌های دیگری از خصلت ضد و مکرانیک و ولت موقت اسلامی است.

در مورد ارتش سوتنام فرماندهانیکه تاکنون برای ادرار ارتش گمارد شده مانند از قرنی گرفته تا فرید و شاکر همگی از دست پروردگان آمریکا و اشخاصی هستند که در جاب خود را از دست پدرتاجدار گرفته‌اند. ارتش تحت فرماندهی قرنی با گارد جاو...

بدانی که ارتش ملی به آنها پناه داده می‌شود... هنوز دولت جمهوری اسلامی اعلام نشده بود که کشتار وحشیانه مردم سنندج را برآورد اخت و در روزهای سال نسو خمپاره و گلوله‌های کالیبر... هر ابرودم هدیه کرد... کاری که پدرتاجدار ارتش از... انجام آن ابداً داشت و مدتی کوتاه بعد از آن کشتار خلق ترکمن بدست همین ارتش ملی صورت گرفت... در زمان فرماندهی فرید کشتار خلق حرب آغاز گشت و جنگ خونین نقد به خلق کرد تحصیل شد... شماره قربانی که ارتش ملی تحت رهبری فرماندهان دست پرورد آمریکا از خلقهای ایران گرفته است قابل مقایسه با قربانیان چند ساله ارتش شاهنشاهی نیستند.

در کدام واحد ارتشی، فرماندهی که در جریان جنبش یکساله شرکت داشته و مخصوص در جریان قیام گمارد شده است؟ بنابراین رکن مهم سبابت طبقاتی امیرالیمم و دست نشاندهانش همچنان ارتش مزد و روضد خلق باقی ماند است. اگر افسران و درجه داران نظامی خودی ضد خلقی خود را از دست داده و با حاضر نیستند چنین عمل کنند مریوط به شخص آنان است و ربطی با سیاست و ولست و فرماندهی ارتش ندارد. و چنانچه دیدیم فرماندهان ارتش و دولت بازنده کرده توانین در ارتش و ادارات اطلاعات و شد اطلاعات درست در مقابل افسران و سرپازان آزاد بخواه و ملی قرار گرفته است... بنابراین ماهیت و ولت موقت و جمهوری اسلامی... دولت وابسته به امیرالیمم است به مفهوم مارکسیستی... دولت... که روحانیت وابسته به بقای روابط فئودالی نیز جز دولت محسوب میشود.

اما در مورد پروردگار ما روزه بخاطر دست آورد هائی که قیام نکوهشند مسلحانه و...

تحلیلی از :

ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه

و

نحوه برخورد به آن

و

در ساره مرحله انقلاب

.....

دیدگاه (۲)

.....

سبب وجهه طبقاتی مبارزه مشخصی تراست .
 وظیفه سازمانها و گروههای مارکسیستی - لنینیستی است که بایند گرفتن از
 اشتباهات گذشته در جهت سازماندهی و شرکت در مبارزه زحمتکشان گسار
 بردارند و با مبارزه و افشای احزاب وابسته (چه به شوروی و چه به چین) و قطع
 نفوذ آن از جنبش کمونیستی و مبارزه طبقه کارگر و نیز اصلاح انحرافات درونی خود که
 عمدتاً بشکل انحرافات اگونیستی بروز کرده است در جهت تشکیل ستاد پرولتاریا
 و انجام وظیفه سوسیالیستی و دیکراتیک در مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان -
 بکوشند . آیند های درخشان و تابناک در برابر خلقهای ماقرار دارد . خلقها در
 مبارزه برای حق تعیین سرنوشت خویش گام بر میدارند و این وظیفه سازمانها و
 گروههای مارکسیستی را چند برابر میکند که با رهبری پرولتاریا رهبرش در مبارزه
 علیه انحرافات در رهبری مبارزه خلقها برای حق تعیین سرنوشت خویش این امر
 مهم را نیز انجام رسانند .

به روزیاد مبارزه برای ایجاد جمهوری دیکراتیک خلقی رهبری

طبقه کارگر

نابود باد امپریالیسم و دست نشاندگان آن در ایران

به روزیاد همبستگی انقلابی مبارزه خلقهای تحت ستم علیه امپریالیسم

در تاریخ
 ۱۳۰۱
 ۱۳۰۱
 ۱۳۰۱

ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه ونحوه برخورد به آن

جنبش انقلابی خلقهای ایران که باقیام بهمن ماه ۵۷ باوج خود رسید ،
 ضربات مؤثری بر ماشین دولتی رژیم شاه زد ، ولی نتوانست آنرا بکلی درهم
 بشکند . هیأت حاکمه جدید تحت تأثیر قیام توده ها و نیز بخاطر تضاد های
 خود با رژیم شاه ، بخشی از بهره های اصلی سیاسی ونظامی این رژیم را
 بجوخه های آتش سپرد و بیا به زندان افکند ، ولی بطور عمد و سعی در بازسازی
 این ماشین دولتی ، در افزودن بر آن و در متناسب کردن آن برای سرکوب توده
 ها داشته است . بوروکراسی وارثش - در نهاد اصلی در درون ماشین دولتی -
 را حفظ کرده و باینها زنده بپای خود تطبیق داده است .

برای اینکه ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه جدید را بشناسیم ، بایستی قبلاً
 ترکیب طبقات " اپوزیسیون " را در زمان شاه مورد نظر قرار دهیم . خصوصیت
 ویژه سالها و ماههای آخر رژیم شاه در این بود که هر چه بیشتر بایگانه اجتماعی
 و طبقاتی خود را از دست میداد و بنقطه اتکام بسیار محدود تری استوار میگشت .
 مشخصه اواخر رژیم شاه این بود که فقط بر قشر کوچکی از بزرگترین سرمایه داران
 و زمینداران وابسته انحصاری دولتی و خصوصی که بگرد دربار جمع شده بودند ،
 تکیه داشت . نه فقط توده های زحمتکشی ، نه فقط توده خورد و بورژوازی ،
 بلکه بورژوازی متوسط و غیر بوروکراتیک و حتی بخشهایی از بورژوازی کبیر ادبی
 صف مخالفان پیوسته بودند . نمایندگان سیاسی این طبقات اخیر که سالها
 مدافع رژیم و یاحد اکثر منتقد بی زبان آن بودند و با سر در لاک خود فرو برد بودند
 توده " وسیع موجود " اعتراض داشتند . نتیجه طبعی این وضع بنده اینست

طبقاتی اند آزه وسیع و ناهمگونی از اپوزیسیون بود که قیام را بشکل " قیام طب
 بر طبقه شاه " جلوه گر می ساخت و برجسته های طبقاتی آن پرده پریشانند و
 میکشید .

ضعف سیاسی و سازمانی طبقه کارگر مانع از آن شد که این طبقه بتواند
 لحاظ سیاسی مانند یک طبقه واقعا مستقل مبر خود را بر قیام بکشد و جهت
 حرکت و بامحتوای طبقاتی آنرا تعیین نماید .

بورژوازی متوسط ایران (که گاه بنام " بورژوازی ملی " و اخیراً " بیشترین ")
 بورژوازی لیبرال خوانده میشود) نیز فاقد قبولیت و نفوذ توده ای و سازمان
 توده گیر بود . سازمانی خاصیت و مومانی شده ای مانند " جبهه طلسمی
 و حتی " نهضت آزادی " بهیچوجه قادر بر کنترل و هدایت جنبش توده ها
 نبود زیرا اعتماد آنها را با خود نداشت و از خواستهای آنها غرضگانه فاصله
 گرفته بود .

در این شرایط تنها " سازمان " مرتاصری همان تشکیلات سنتی و حافظ
 آماده مسیستم روحانیت بشمار میرفت . سیستم روحانیت شیعه که بر اساس
 سلسله مراتب خاصی استوار است ، خود هدیه بپوش نهاد ، بازمانده دوران
 نفوذ الهی است و در دور ای که در آن روحانیت فاقد وظیفه " اوشاد و تبلیغ "
 بهسپرده نداشت بلکه برخواست و نگاه میتوانست در حکومت نیز مشارکت داشته
 باشد . این فرایندی این روحانیت ، اسلام در شکل شیعه اثنی عشری آن میا
 اما تفسیرهای مختلفی که همواره از آن میشود ، میانگروه اختلافات ایجاد
 نموده و در آخرین تعلیل اختلافات طبقاتی درونی در این تشکیلات ، میباشد
 در شرایطیکه نقد آن در بوروکراسی روسیه و فرانسه و نیز در کشورهای دیگر

هرگونه تشکيل و پروردن سازمانهای سياسی وسيع وتوده ايرا و طبقات مختلف
 سلب کرده بود ، سیستم روحانيت با سازمان حاضر و آماده خود ، با شيکس
 تشکيلاتی وسيع وسنتی وتوده گير خود ، با داشتن قدرت بسیج وافقاي توده ها
 با تکیه بر عوامل فريبی وتسخیران ها نوانگشت گذاشتن بر روی شريف و فرائز توده ها
 قادر شده به نیرومند ترين سازمان که قيام را در پنجه خود گرفت تيد پيل شود .
 بد بنسبان روحانيت " به رهبر تمام ملت " و به عنصر مسلط اپوزيسون تبدیل
 شد .

لا زمست تذکره هم که گرچه نهاد روحانيت ، محصولی با زمانده از دوره -
 فتودالی است ، گرچه در شکل سلحله مراتب وهمچنين در ايد فولتزی بر نامه
 اجتماعی آن رگه های فتودالی وقرون وسطائی وماتیل سرمایه داری چشم کسی
 خورد ، با این همه سیستم روحانيت همراه با تحولات دهها ساله " جامعه
 ايران ، همراه با از بین رفتن تدریجی قدرت ونفوذ وشیره توليد فتودالیسم و
 توسعه توليد سرمایه داری وبازار ، همراه با دولتی شدن وبابروژواکی شدن
 اوقاف ، آموزش و پرورش ، سیستم قضائی وفیرو ، با بازار معنی با پرروژواکی و
 خرد و پرروژواکی داخل دوره رابط ارگانیک شده است . بویژه اقتصادبالائی این
 روحانيت که تعیین کننده سمت حرکت وسیاستهای آن هستند وسالهاست
 که زندگی مرفه شهری داشته و در مراد و معاشرت با بازار میباشند ،
 تمایلات و خواستهای آنها ساز شده اند و از طریق آنها درآمد مده خود را
 کسب میکنند . بسیاری از آنها خود بهصاطه وخرید وفروش وفیرو بهر از است
 بهشی بهر حال در رابطه با " سرمایه " کسب درآمد میکنند . (گواينکه ممکن است

فتودالی هم موجود باشد .) گواه این مدعا ، هشتیانی بازار از روحانيت در
 سالهای اخير و بویژه در طول جنبش انقلابی وحد از آن میباشد .

سیستم روحانيت بخاطر نداشتن نقش مستقلی در توليد و زندگی تاحا
 انگلی ولومی وار و بخاطر نقش مذهبی و " الهی " آن ، همواره حالت فشرده
 صنفی " مافوق طبقاتی " ، جدا از جامعه " و " مورد احترام وتقدیر همگانی
 را بخود گرفته است . ايد فولتزی مذهبی مبتنی بر ماوراء الطبیعه نیز که
 میکوشد انسانها را " غیر طبقاتی " وحتى " غیر ملی " نماید ، این حالت را به
 جسته کرده است . روحانیون - صرف نظر از شیوه های مختلف زندگی اقتدار
 از جانب هر که ام از آنها - دارای منافع خاصی بعنوان يك صنف نیز میباشند
 بهمین دلیل حکومت اسلامی با وقوع حکومت روحانیون یا تسلط روحانیون
 دستگاه دولتی همواره در میان آنها جاذبه داشته است . با اینهمه علیرف
 این " ماوراء طبقاتی بودن " ، در تحلیل نهائی اقتصاد مختلف روحانيت به
 طبقات مختلف اجتماعی روابط ارگانیک داشته ، دارای تمایلات طبقاتی
 معینی بوده ومنافع طبقاتی معینی را نمایندگی میکنند . روحانيت حاکم
 ايران در میان خرد و پرروژواکی و پرروژواکی ها بگاه اجتماعی وطبقاتی دارد ، از
 آنها تاثیر میگیرد ، آنها را بهد نبال خود میکشد و بر آنها تکیه میکند و از این لحاظ
 نمایندگي آنان در هیات حاکمه میباشد .

همانطور که گفته شد فقدان يك سازمان سياسی خاص خرد و پرروژواکی که
 توده های وسيع را بهد نبال خود بکشد و در جریان مبارزات اجتماعی وطبقاتی
 مطابق مصالح خرد و پرروژواکی پرورش داده شده باشد ، به بخشی از
 روحانيت امکان داد که در حال حاضر ،

اینست که بگوئیم خرده بورژوازی مطور منده از طریق بخشی از روحانیت در حاکمیت شرکت داشته است .

خمینی (بخشی از روحانیت که با وی ساز بود) بتدریج در بین خمینی روحانیت نیزه عنصر اصلی و مسلط تبدیل شد . این بخش از لحاظ ایدئولوژیک قشری ترین و ضد کمونستی ترین و ضد روحانیت بشمار میرود . تز حکومتی آن مبتنی بر " ولایت فقیه " میباشد و اعمال دیکتاتوری می بند و سار و انگیزه یسین نسبت به مخالفین اعتقاد دارد . برگرد خود دستجات شبهه فاشیستی فالانژهای حزب اللهی را دارد که از هیچ کاری رو بگردان نیستند . تشکیلات ارتجاعی و حتی فئودالی در ایدئولوژی آن چشم می خورد . میدانیم که خرده بورژوازی می تواند تالیات گوناگون و متضادی داشته باشد از چپ انرا طنی تا راست ارتجاعی . خمینی نمایند تالیات ارتجاعی خرده بورژوازی است و نه گرایشهای ترقی خواهانه وی بهیانگر کهنه پرستی و مذهب پرستی او نمایند و ضدیت ها و متعصبانه وی با پرولتاریا و مارکسیسم بهیانگر تالیات او به توقف چرخهای تاریخ است .

جریانهای بورژوازی از قبیل " نهضت آزادی " " جنبه طنی " و غیره بویژه از مدتی قبل از قیام بار هیر روحانیت پ بودند و تالیات نزدیکی پیدا کردند . بورژوازی میدانست که بدون روحانیت بدون پوشیدن جامه " اسلامی قسان به حکومت نیست . این ائتلاف از مدتی قبل از قیام صورت پذیرفت و حکومت حاکمه ای که بد نیال قیام بر سرکار آمد حاصل این ائتلاف بود . در آن وقت خرده بورژوازی منده تا از طریق بورژوازی منده در قدرت حاکم سهیم گردید و بورژوازی مبتدیان از طریق بنا زیرگان بود اروند مست فوق در کابینه سیمر و یک قدرت داشته بود است

آورد برالیه بودند کسانی هم که از همان ابتدا امپره های امپریالیسم بد می رفتند . این هیأت حاکمه به قیمت خون غده ها و در نتیجه سازش با امپریالیستها بر سر کار آمد . دلالی این سازش را نمایندگان بورژوازی بر سر گرفتند . هیأت حاکمه جدید به قیمت توده ها بر سر کار آمد ولی به آنها اختیار کرد . بدون قیام امکان نداشت که آنها حکومت ببرند ولی آنها از همه ابتدا ابتدا فهای آن بهشت کردند .

بورژوازی معتوسط غیر انحصاری قبل از رسیدن به قدرت به اشکال مختلف مستقیم و غیر مستقیم در روابط با سرمایه " امپریالیستی بوده و مخزن بود بورژوازی " مستقل وطنی " وجود خارجی نداشته است . این بورژوازی قد در ارای در جهت وابستگی کثرتی با امپریالیسم بوده و در رأس هرم قدرت نداشته است . پس از رسیدن به قدرت هم همواره سعی در حفظ سیستم سره داری وابسته با امپریالیسم به اشکال مختلف شده و غیر انحصاری آن داشته است . خرده بورژوازی نیز می تواند نظام اقتصادی - اجتماعی را موضوع نظام دیگری بند آورد . بلکه فقط می تواند " اصلاحاتی " در نظام موجود " توزیع " ثروت ایجاد نماید . این خواست به تالیات روحانیت که آنها " توزیع مجدد " ثروت اجتماعی را به نفع خود خواستارند ، منطبق میگردد شرایط کنونی این " توزیع مجدد " و این " اصلاحات " فقط از راه دولتی سرمایه داری میسر میشود . بنابراین رهبری این جناح روز بروز از توده بورژوازی دنیاله روشن بیشتر فرا حده میگردد و می رود تا به بورژوازی دیووکرات شود . خواست دولتی کردن سرمایه داری برای بورژوازی هم که در چارچوب شد ید است و تعداد ممكن بشمار میرود .

بین دو جناح بورژوازی و خرده بورژوازی از همان ابتدا تضاد هائی نیز وجود داشت. این تضاد همانشا تشریف هائی در درون هیأت حاکمه میشد که گسایش میان توده ها م کشیده میشد. با اینهمه وحدت آنها در برابر طبقه کارگر و توده های خلق مراتب محکمتر و اساسیتر از هر چیز دیگر میباشد. بویژه در اثر مبارزات کارگران و خلقها و زائل شدن توهم توده ها و همچنین در اثر حصران صریح سرمایه داری و وابسته ایران، این دو جناح بعضی از اختلافات خود را کنار گذاشته و صفوف خود را فشرده تر کرده و در مقابل کارگران و توده های بسوی "وحدت کلمه" پیش رفته اند.

امروز پاشتهانی "امام" از بنی صدر - بعنوان منتهجه هیئت حاکمه - و همچنین با پیام سیزده ماده ای نیروزی، نشان داده میشود که چگونه روحانیت حاکم نمیتواند جز کارگزار سرمایه داری و وابسته چیز دیگری باشد و کسل هیأت حاکمه هم جز شمشیر رژیم سرمایه داری و وابسته و سازشی و توسعیه ماشین سرکوب آن کار دیگری نمیتواند بکند.

وظیفه طبقه کارگر در برابر هیأت حاکمه کنونی چیست؟

بدون تردید هیأت حاکمه کنونی، ماهیتا ضد انقلابی و ضد خلقی است و هیچگونه پاشتهانی از آن یا از یکی از جناحهای آن مجاز نیست. برعکس طبقه کارگر با بستن متحدین خود را در انقلاب و موکراتیک گردآوری نماید و در جهت تصرف قدرت سیاسی حرکت کند. طبقه کارگر و توده های مردم وظیفه دارند اشتباه نشود که این وظیفه بمعهد طبقه کارگر و توده های مردم ایسران است و نه جنبش مقاومت خلق کرد.

ماشین دولتی کنونی را در هم بشکنند و نظام سرمایه داری و وابسته را نابود کنند. اینکه از آن بعنوان "ملی"، "خلق"، "ضد امپریالیست" و غیره حمایت مشروط بعمل آورند و یا جناحی را تنظیم بکنند و جناح دیگری را بکنند تمام تاکتیکهای طبقه کارگر در مرحله کنونی با بستن در خدمت این استراتژی باشد.

اما درک وظیفه مخصوصی در ولتاریا در این مرحله، بعضی آن نیست که میت شمار سرنگونی و تصرف قدرت سیاسی را در دستور روز قرار داد، بلکه میت آمادگی طبقه کارگر و تکامل مبارزه طبقاتی نشان میدهد که چه موقع میباشد این کار را کرد.

شاید پرسیده شود چگونه در حالیکه ما میگوئیم پس از قیام خرده بورژوازی هم در حاکمیت شرکت داشته، باز هم از هرگونه پاشتهانی هیأت حاکمه داری کرده و آنرا در مجموع ضد خلق و شمار میآوریم. جواب اینست که:

۱- در شرایط ایران خرده بورژوازی نمیتواند مانند یک کل واحد و مطلق مطلق جزو خلق یعنی نیرو هائی که متحد طبقه کارگر در انقلاب و موکراتیک بشمار میآیند، حساب کرد، بلکه با بستن در بین خرده بورژوازی قشر بندی آورد و اقشاری را که میتوانند متحد طبقه کارگر باشند با بخشهای مینابینی و مابخششی از آن که متحد بورژوازی و جزو ضد خلق میباشد، تمیز داد.

۲- خرده بورژوازی اگر همراه طبقه کارگر و متحد وی باشد، مترقی است. بورژوازی هنگامیکه و تا جائیکه با بورژوازی متحد شده و از وی بر طبقه کارگران میکند، ارتجاعی بحساب می آید.

۳- مضافاً اینکه این بخش از خرده بورژوازی بوسیله یک سازمان ارتجاع

مانند دستگاه روحانیت رهبری میشود . صحبت مابصر همه توده های ناآگاه
خرده بورژوازی که هنوز هم بد حال این سازمان ارتجایی میروند نیست . -
بسیاری از آنان میتوانند بتدریج بصوی اتحاد با طبقه کارگر و یا حداقل بصطرفی
سیر کنند .

۱- و بالاخره خرده بورژوازی اگر در قدرت قرار گیرد ، بهیچوجه نمیتواند
مترقی باشد و جز تعدیل شدن به بورژوازی موروکرات و حفظ سیستم سرمایه دار
وابسته و تعدیل شدن به کارگزاران کارگری نمیتواند انجام دهد .

با توجه به همه اینها میتوان گفت بخشی از خرده بورژوازی که بوسیله
سیستم ارتجایی روحانیت رهبری شده و با بورژوازی متحد بوده و صحبت تعدیل
شدن به بورژوازی موروکرات پیش میروند و در رأس قدرت سرمایه داری وابسته قرار
دارند و آنهم در شرایطی که بحران سرمایه داری وابسته تشدید شده و بحارزه
طبقه کارگرو توده ها رو به امتلاست ، جز دشمن خلق و جز ضد انقلابی چیزی بگویی
نمیتواند باشد و نظام کنونی هم نمیتواند وابسته به یکی از بلوکهای امپریالیستی و
باصطوری کلی به بازار جهانی امپریالیستی نباشد .

ملاحظیات : ۱- به خرده بورژوازی مرفه سنتی معتقد است .
رفیق ۲- خمینی را نماینده خرده بورژوازی ورشکسته پارو ورشکستگی
میداند .

رفیق ۳- میگوید در این مورد بالا ، ناروشن است و نمیتواند اظهار نظر کند
رفیق ۴- معتقد است که : " خرده بورژوازی بطور عمده از طریق بخشی
از دستگاه روحانیت در حاکمیت تأثیر گذاشته است ."

در باره مرحله انقلاب

مرحله انقلاب در ایران دموکراتیک است . نیروی عمده و نیروی رهبر
کننده این انقلاب طبقه کارگر میباشد .

محور اصلی تضاد های جامعه را در این مرحله تضاد کار و سرمایه تشکیل
دهد و اساس این محور تضاد خلق و امپریالیسم بر اثر انقلاب دموکراتیک
رهبری طبقه کارگر حل میشود .

متحدین طبقه کارگر در این انقلاب ، خرده بورژوازی فقیرتر شده
و دهقانان فقیرتر میشوند . خرده بورژوازی متوسط و دهقانان
میانه حال هم میتوانند متحد طبقه کارگر باشند . بورژوازی " ملی " بعنوان
طبقه اجتماعی که مستقل بوده و جزو خلق بحساب آید وجود ندارد . این ط
درواقع همان بورژوازی متوسط است که با درجه کمتری دارای وابستگی بسوا
بخشی از کل طبقه بورژوازی وابسته ایران را تشکیل میدهد . خرده بورژوازی
و دهقانان مرفه متحد طبقه کارگر نموده و جداگانه نمیتوانند در این انقلاب
باشند .

خرده بورژوازی نیز تضاد هایی با امپریالیسم دارد ولی ماهیتا با
تضاد های طبقه کارگر با امپریالیسم متفاوت است . خرده بورژوازی با امپریا
لیسم داخل در روابط تولیدی ارگانیک نیست . از غارت و جباول امپریالیسم
زبان میهند ، اضافه محصول و درآمدش به تاراج میروند . در حالیکه طبقه کار
داخل در روابط تولیدی ارگانیک با سرمایه وابسته و امپریالیستی است و از ط
وی استثمار میشود . بهین دلیل است که تضاد خرده بورژوازی با امپریال

می‌ریاید . ولی تضاد کارگران با امپریالیسم تضادی ارگاتیک و داخلی و تضادی است مربوط به مبارزه طبقاتی .

انقلاب دموکراتیک ، انقلابی است برای درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری وابسته ، برای برچیدن ستم و سرکوب دولتی ، برای قطع " غارت " امپریا - لیستی . پس از آن وارد دوره انقلاب سوسیالیستی می‌شویم . به عبارت دیگر جامعه دموکراتیک یک دوره تاریخی بتمام معنی را تشکیل نهد ، بلکه نقطه گذاری برای طبقه کارگر جهت گردآوری قوا و ورود به سوسیالیسم می‌باشد . با نابودی دولت کنونی در اثر انقلاب دموکراتیک توده‌ها برهبری طبقه کارگر و مرحله سوسیالیستی نقطه آغازین می‌کند .

.....

P

طرح پیشنهادی اساسنامه سازمان

(پیشنهادی از طرف هیأت مرکزی به کنفرانس ششم)

- ۱- عالیترین ارگان سازمان کنفرانس است . که فعلا هر چهار ماه یکبار تشکیل
- ۲- خطوط اصلی سیاست و برنامه سازمان توسط کنفرانس تعیین می‌شود
- ۳- انتخابات هیأت مرکزی و مسئولین منطقه ها از وظایف کنفرانس است
- ۴- اعضای هیأت مرکزی و مسئولین منطقه ها و نمایندگان اعضای ناحیه ها هر ناحیه یکفرد در کنفرانس شرکت نموده و حق رأی دارند .

تیمبر ۱- جلسات با اکثریت $\frac{2}{3}$ اعضا رسمی و قابل تشکیل است - تصمیمات اکثریت آراء این کنفرانس لازم الاجرا است .

تیمبر ۲- کنفرانس بدون اطلاع مسئولین منطقه ها و هیأت مرکزی قابل تشکیل نیست .

تیمبر ۳- اکثریت اعضای هیأت مرکزی باید در کنفرانس شرکت داشته باشند .

تیمبر ۴- هیأت مرکزی می‌تواند کسانی را از اعضا و یا غیر اعضا به عنوان نمایندگان معرفی به کنفرانس دعوت کند .

۵- هیأت مرکزی می‌تواند قبل از موعد دعوت به کنفرانس نماید .

۶- هرگاه $\frac{2}{3}$ اعضای سازمان تشکیل کنفرانس را ضروری بدانند ، می‌توانند خود را به هیأت مرکزی پیشنهاد کنند و هیأت موظف است که این مسئله را اطلاع اعضای دیگر رسانده و بعد از پاسخ دهد . در صورت عدم موافقت هیأت مرکزی با تشکیل کنفرانس ، هیأت مرکزی باید دلیل خود را در سطح سازمان ارائه دهد و آراء آنرا ، که منطقی است ، در اختیار اعضا بگذارد .

د لایه موافقت نمود کنفرانس تشکیل نمیشود و در غیر این صورت باید تشکیل
گردد . (اکثریت یعنی نصف بعلاوه)

۷- ارگانهای تشکیلاتی بعد از کنفرانس به ترتیب زیر خواهند بود :

- الف : هیئت مرکزی
- ب : کمیته منطقه
- ج : کمیته ناحیه

۸- هیئت مرکزی از سوی کنفرانس انتخاب میشود و فاصله همین دو کنفرانس
عالمترین ارگان سازمان خواهد بود . و تصمیمات آن برای همه اعضا لازم الاجرا
است و در این مدت مسئول اجرای پیشبرد مصوبات کنفرانس میباشد .

۹- هیئت مرکزی حق تصویب یا تعیین مسئولین مناطق را خواهد داشت .
(در موارد ضروری)

۱۰- هیئت مرکزی مرکب از : هیئت اجرایی و هیئت تحریریه است .
تقسیم کار در هیئت اجرایی به ترتیب زیر خواهد بود :

الف : مسئول با مسئولین تشکیلاتی ، تدارکاتی و اطلاعاتی ، نظامی .
مسئولیت در درون هیئت مرکزی جمعی است و همه اعضا هیئت مرکزی در برابر
هر یک از تصمیمات آن مسئولند .

۱۱- کمیته منطقه : مرکب از مسئولین ناحیه ها و مسئول منطقه خواهد بود .

۱۲- کمیته ناحیه : از اعضا پیشین عضوهای ناحیه توسط خودشان انتخاب
میشود .

۱۳- مسئول ناحیه از طرف کمیته ناحیه انتخاب میشود که باید به تأیید
هیئت مرکزی برسد . مسئول ناحیه باید عضو سازمان باشد .

۱- جلسه موسس منطقه بدعوت کمیته منطقه میتواند تشکیل شود .
این جلسه مرکب از کمیته منطقه و تمام با قسمتی از شرکت کنندگان در
ناحیه ها خواهد بود .

۱۰- شرایط عضویت در سازمان :

الف : باید فولوزی و برنامه سازمان را بپذیرد .

ب : در کار سازمانی در یکی از کمیته های تشکیلات فعالیت داشته
باشد .

ج : حسی بوده ای - انقلابی را در عمل از طریق در آمیختن با کارگر
و دیگر زحمتکشان پذیرفته و زندگی خود را تماماً به طور حرفه ای وقف خدمت
سازمان نماید .

و : حداقل دو نفر از اعضا ، عضویت او را به کمیته محالاً تر خود پیشنهاد
در آنجا مورد تصویب قرار گرفته و با اطلاع هیئت مرکزی برسد .

تصوه - زحمتکشان چنانچه دارای درک کافی و روشن از اصول عام (م)
نباشند ، بشرط پذیرش برزانه و در ارا بودن سایر شرایط میتوانند بعض
سازمان در آیند .

